

کارگران همه کشورها
متحد شوید!

مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

اول آبان ماه ۱۳۶۴ - ۱۲ صفحه - ۴۰۰ ریال

دوره دوم - سال دوم - شماره ۲۱

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

فدایی قهرمان، رفیق رضی الدین تابان قیروان شد!

همانا رها نشی میهن و بیروزی مردم استهزاده اند. در میان گروه تازه اعدام شده ها نسیم رفیق رضی الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به چشم می خورد. رفیق رضی الدین تابان در اسفندماه سال ۶۰ دستگیر شده بود. او در تمام سه سال گذشته تحت فشارهای شدید و شکنجه های وحشیانه قرار داشت. رفیق رضی در مقابل همه ددمنشی های شکنجه گران با سربلندی توانست تمامی اسرار و اطلاعات خویش را حفظ کرده و دشمنان را ناکام بگذارد. مقاومتی که وی در برابر شکنجه جلاان و رژیم انجام داد، جلوه ستایش انگیزی از اراده شرف فدائیان خلق در پایبندی به آرمانها و شرف انقلابیشان است. در زندان اوین در میان بقیه در صفحه ۳

هم میهنان گرامی! مردم مبارز ایران!
ما هم رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، جنایت تازه ای آفریده است. در آخرین روزهای مسماه گذشته، بیش از ۵۰ نفر از کادرهای سازمان ما و دیگر فعالین جنبش انقلابی ایران به جوخه اعدام سپرده شدند.
هم میهنان زحمتکش و تحت ستم! ایفای کلیه اختیارات به دست جلاان رژیم به خاک و خون در تنبیدنده، همچون هزاران نفر از دیگر فرزندان شما که بدست حکومت جبار و خونریز خمینی به شهادت رسیده اند، انقلابیون ایران گذشته ای بودند که در راه رهایی از قید این رژیم یلید دلاورانه رزمیده، مدتها میمدیدرسیا همالها شکنجه شده و بالاخره سر در راه آرمان خود، که

جمهوری ضد بشر

سردمداران رژیم با غرور میناهاات از جمهوری اسلامی خودبختوان "نظام نمونه جهان یادیم کنند و ترا هدیه ای آسمانی برای زمینیان که در ظلمت و تیرگی قرار گرفته اند، می دانند و همه را بسپه پیروی از راه خودمرا می خوانند، ولی مدت زیادی لازم نبود تا حقیقت روشن گردد و چهره واقعی رژیم سفاک اسلامی آشکار شود. بجای فرشته نجسبات هیولای کربیی عرض اعدام کرد که ما به نسیگ کشورباستانی ماگردید. از میان کردوغنباری کسه قرون خرداراین زمینه هرچه بیشتر به تنفسا پیش گذارد. نفی کامل حقوق و آزادیهای فیسلسودی و اجتماعی، اختیاری و سرکوب هرگونه فکرمخالس و بطورکلی نقض کامل حقوق بشر را رویزگیهای این رژیم است. اکنون دیگر مدتهاست که طشت رسوایی رژیم از بام بزیرافتا ده و جمهوری اسلامی در سطح جهانی بخا طرجهای تش انگشت نما شده و هرروز وسواتر می شود.
اخیرا در گزارشات سازمان عقوبین المللی بهیامون نقض حقوق بشر - مهرماه سال جاری - جای ویژه به رژیم خمینی اختصاص یافت. در این گزارشات در مورد تخلفی از حقوق بشر در ایران از جمله به اعدام ۶۶۱ نفر در سال ۱۹۸۴ و همچنین اعدام ۶۱۰۸ نفر در سال ۱۳۵۷ تاکنون توسط رژیم حاکم، اشاره شده است و همیا نظور که روشن است و در این گزارشات هم آمده است، این ارقام بسیار از واقعیت کمتر است. در گزارش گفته می شود که هزاران نفر بخا طرعهقا بدیاسی در زندانهای متعدد رژیم بصری برند. که بسیاری از آنها بقیه در صفحه ۳

اخراج کارگران پایان باید یابد!

کاهش شدید ذخیره رزی رژیم در شرایط ادا سه جنگ ویران همه جا شده، موجب عدم گشایش اعتبار برای تهیه مواد اولیه و قطعات موردنیاز واحدهای تولیدی شده است. بطوریکه سطح تولید در اکثریت واحدهای تولیدی و صنعتی شدت تا بین آمده و در تعداد زیادی از این واحدها، تولید بهیاری مدت ممتد با امرای مدت نامطلوبی خوا بیده است. این بحران ورکود، اخراجهای وسیع شنسوده ای، با زحمتیهای تحصیلی، با زحمتیهای زودتزاز موقع، نقل وانتقال های اجباری به واحدهای دیگر و ورخصی های اجباری کارگران را به دنبال داشته است.
برای نمونه در کارخانه ایران ناسیونال از تاریخ ۶۴/۴/۱ به مدت ۲ هفته تعطیل اعلام شد (مخفی اجباری). بخش تولید کارخانه بعلت نداشتن انرژی و عدم ارسال قطعات و لوازم بدکی از جانب شرکت تالیبوت، کاملاً مختل شده و در حفظ تولید بیگان و وانست با رنیز خوا بیده است. کارخانه ایران با ساندز، وضعی شیمه کارخانه ایران ناسیونال دارد، واحد تولید کفش ملی و جنسرال تا بعلت نداشتن مواد اولیه تعطیل شده است. همچنین کارخانه سازی مثل بنغازور، ایرانا، بلموند، هیپال کور) سازنده ماشین آلات راه سازی، برادیا نورسازی، ترانسفورما تورسازی، داروپیشی، باطری سازی شهریار، موتوزن تبریز، شیرازیلستیک، به آرا (کارخانه تولیدکننده حشره کش)، کارخانه های براداران گلپایگان (موتناژ کننده ماشین)... بعلت نداشتن مواد اولیه مختل بقیه در صفحه ۱۰

بحران رژیم تشدید می شود

بن بست ویران رژیم ارتعاج که همچنان تشدید می شود. هر زحمتگاری با شدت باز هم بیشتر می نماید. در این زمینیه رویدادهای چندماه گذشته، برپزه دروا بطه سیه جنگ ویران اقتصاد می نمود. ربارزی است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد.
جنگ همچنان عمده ترین عامل تشدید بحران رژیم است. سال گذشته حکومت همه نیروی خود را بسیج کرد و کوشید با حرکت در آوردن امواج بزرگ انسانی و به قیمت دریا بی از خون جوانان کشور در جبهه ها استعازی بدست آورده و آبشار رگمسل را در دست خود نشان دهد. اما این نقشه پس از قتل عام فقیه دهها هزار سرباز روسی و پها سسسیه رها بینا باقیه و با تلفاتهای عراق، شکست خورد. در پی این شکستهای سنگین و سنگین و افزایش چشمگیر اعتراضات مردم علیه ادا سه جنگ و گتسسیه ش شدیدی اعضا دی و بنا را پیش در میان نظام سوسیال سران حکومت مدعی شده که "استراتژی جدید نظامی برگزیده و اینبار می خواهد دنیا "حیلات محدود و مکرر به گفته خود" جنبش معاروفه" را از پای در آوردند. اما رژیم مرتجع عراق که با بتکار عمل نظامی و سیاسی را پیش از این از حریف مرتجع و دیوانه خود برنده است، با دامن زدن به "جنگ شهرها" و درجندی از جنایت را آغاز کرد. در این دورمدام فاشیت کوشید با فروریختن بمب در کوی و بسوزن شهرها و کشتار مردم غیر نظامی، خمینی را زیر فشار بگذارد. و صلح را به وی تحمیل کند. "حسرت امام" در برابر حمله های پیاپی هوایی به تهران و دیگر شهرهای کشور تنها توانست چنان را ز رژیم پیش قدمهای قرار دهد و همرا "بیت خود در آشیانه امن و راحت بیلاقی، جوقربا بینا رژیم جنون و جنایت فاشیه بخواند. مردم صلح دوست میهن ما که از ادا سه جنگ، از جبارگری و از حمله به خاک همیا بگان نبروت دارند و سالیانه که ملج غوری ترین است، آنهاست. این بار تا کسب کشور، تا قلب ایران و در خانه های خود، بسلسون هرگونه دفاعی، ما ج بمب های رژیم عراق می تند. بیامد این عملیات کثیف هیطری، اوج گیری سریع اعتراضات مردم علیه جنگ و در رژیم بود. رژیم که در جریان بهیاری توسط رژیم تمام پیش از پیش آماج اعتراضات بوده ای قرار گرفته و بدلیل ناتوانی در دفاع از پایداری به شدت تقویت شده و رجز خوانیهای آن رسواتر شده بود، کوشید با تیرنگ های تازه ای سبست اعتراضات مردم را متصرف سازد. در این راستا ایران جمهوری بویژه تلاش کرد تا زنجیر بهیاری شدید نفرت بوده ای نسبت به تبهکار ریهای رژیم تمام به شود و بهیاری برداری کرده و بدینوسیله هم سمت اعتراضات علیه جنگ و رژیم را منحرف سازد و هم رژیم تازه ای برای تنور جنگ فراهم کند. اما این نقشه نیز شکست خورد و مجموعه اعتراضات علیه جنگ و رژیم، و روند پیونده خودن شعارهای ضد جنگ و در رژیم، همچنان در مسیر توسعه و تکوین تدریجی پیش رفت.
رژیم صدام که با حمله به شهرها نتیجه عکس بقیه در صفحه ۲

انقلاب سوسیالیستی اکثریت، بزرگترین پیروزی کارگران و رنجبران جهان

بود. پیروزی اکثریتکافی عمیق در جبهه جهانی سرما به داری وارد ساخت. اکثریت را به پیروزیهای آینده، راه جامعه بشری سوسیالیستی خود، راه برپایی جامعه شکوفای کمونیستی را گشود.
انقلاب اکثریتساز را ز دورانی نوین در تاریخ بشریت، دوران گذار از سرمای به داری به سوسیالیسم گردید. انقلاب اکثریت، بطلان شوربهای رنجا سوسیالیسم را که منکر پیشرفت گریزنا بدیترت را بخواه و سعی بقیه در صفحه ۴

۷ نوامبر (۲۵ اکتبر به تقویم قدیم) به سمت و هشتمین سالگرد تاسیس نخستین دولت کارگری جهان، با انگسره انقلاب کمونیستی سوسیالیستی اکثریت، جشن بزرگ مردم شوروی و کشورهای سوسیالیستی و جشن همه کمونیستها و کارگران و رنجبران جهان است.
انقلاب اکثریت عمیق ترین دگرگونی انقلابی سراسری تاریخ جامعه بشری است. در اکتبر سال ۱۹۱۷ برای نخستین بار در تاریخ حکومت اودست اقلیت استعمارگران بدست اکثریت استعمار شوندهگان افتاد و دولتی با بگذاری شده هدف آن برانداختن هرگونه بهره کشی و ستم و تبهکاری اجتماعی

- **بیرامون کار سازمان کارگران در میان کارگران و زحمتکش** در صفحه ۸
- **جمهوری اسلامی از نگاه امپریالیستها** در صفحه ۱۲
- **فریاد کارگران منتظری** در صفحه ۴
- **دانش آموزان علیه جنگ و رژیم** در صفحه ۱۲
- **تبدیل سیاه از تجاع به ارتش** در صفحه ۷
- **مبارزات حاشیه نشینان** در صفحه ۱۰
- **عملیات تروریستی رینگان** در صفحه ۹
- **حمله تروریستی اسرائیل به پایگاه "ساف"** در صفحه ۹

در باره مبارزات کارگران سوسیالیستی
در صفحه ۶

شایسته انقلابی در نیروهای مسلح
در صفحه ۸

اتحاد شوروی:
با همه توان، برای صلح
در صفحه ۶

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

بحران رژیم

بدست آورد، و با دوج تکده اعتراضات مردم ایران و سایر جهان روباروشد. این بار قطع صدور نفت ایران را آماج قرار داد و نیز در جزیره خارگ و خلیج فارس متمرکز کرد. البته رژیم صدام از آغاز این هدف را داشت. اما تنها پس از دریافت تسلیحات ضروری و فراهم شدن شرایط و تغییر نسبت تسلیحات جنگی - بطور خاص در نیروی هوایی - به سود خود می توانست مثل امروز جزیره خارگ و دیگر کشورهای هدفهای نفتی و دریایی را مورد حمله قرار دهد.

هدف اصلی رژیم صدام از حملات پیاپی اخیر به خارگ و دیگر هدفهای نفتی در خلیج فارس قطع صدور نفت ایران و در نتیجه قطع خاره تامین انرژی رژیم خمینی است که پیامد آن بصورت نا توانی رژیم در تامین سلاح ارتش و صنایع اقتصادی از سوی دیگر بر روی اهداف نفتی که رژیم صدام از کشتادن نبرد به خلیج فارس در نتیجه تسلیحات جنگی تلاش برای منطقه ای کردن جنگ و تسلیحات آن به جنگ عرب و ایرانی است. نیروی هوایی عراق که بر نیروی هوایی خمینی برتری یافته، تاکنون طی دهها حمله به خارگ بخش عظیمی از تسلیحات ضروری و نا ایدیه کرده است. افزون بر این شمار زیادی از نفتکشهای ارتش که به خارگ مراجعه کرده اند آماج حمله قرار گرفته و آسیب دیده اند.

نفت خا خونی است که در گهای اقتصادی جمهوری اسلامی به گردش درمی آید و خارگ نیز قلبی است که این خون را به گردش درمی آورد و اکنون قلب اقتصاد رژیم آماج بمب و موشک است.

سرا ن جمهوری اسلامی پس از باره شدن سپهر دنیای خارگ و نا توانی از رفع حملات هوایی عراق و لیس کردن خطر مرکبا قطع صدور نفت، در اوج سراسیمگی بازم رجز خوانیهای جنگ افروزان خود را شدید تر ادامه می دهند. سرا ن جمهوری تنها راه چاره را در این دیدنکه اعلام کنند، "اگر صدور نفت ایران قطع شود، ایران تنگه هرمز را خواهد بست." تهدید به بستن تنگه هرمز تنها پشتوانه ای ندارد و هیچ درمانی بر دردهای رژیم نیست، بلکه بازم بیشتر رژیم را در با تنگنای جنگ فرو می برد. عراق که از طریق خط لوله وانژاک کشورهای همسایه این نفت خود را صادر می کند در شرایط کنونی قطع رفت و آمد از تنگه هرمز برای برآ ن نخواهد بود. از این گذشته بشری اینکه جمهوری اسلامی به تنگه هرمز حمله کند، بلافاصله مستقیما رویاروی تمام کشورهای عربی ساحل خلیج فارس قرار می گیرد که نفت خود را از این طریق صادر می کنند. چنین وضعیتی درست همسایان چیزی است که رژیم صدام خواهان آن است. در این میان موضع آمریکا نیز کاملا روشن شده است. ابتکار عمل بطور کامل به دست آمریکا خواهد بود. ریگان دولت آمریکا را وی روشن کردید که در آرزوی چنین فرصتی هستند تا بر عزم تامین آزادی رفت و آمد کشتیها و "و" تامین امنیت خلیج فارس با همه قوا برسد مصالح ملی مردم ما و همه ملل منطقه را مدخله کنند. بدین ترتیب رژیم خمینی تنها آدامه جنگ و دست یازیدن به اجزای هوایی عراق و زکارانه، رژیم صدام با گسترش جنگ به خلیج فارس چاره را برای گسترش هر چه بیشتر خطر نظامی آمریکا در خلیج و مداخله مستقیم آن در امور کشورهای منطقه صاف و صاف ترمی کند. رژیم خمینی، همسایه نظاره بر فضیلت ملی و میهنی ما جنگ را ادامه می دهد، حاضر است به هوای امیال تنجا و زکارانه خود مصالح کشور ما و همه ملل منطقه را فدا کند و تنها امنیت منطقه، بلکه به گفته خود حتی سالم جهانی را هم به خطر افکند.

اما رژیم خمینی با همه این ماجرا چویی ها و تهدیدها و رجز خوانیها بازم بیشتر و بیشتر در محاصرت جنگ فرو رفته و کشتی جنگی این این بنا در سا خارگ به شکل مضطربانه ای به نعل نشسته است. رژیم صدام که با تنگنای عمل را در عرضه نظامی و سیاسی بدست آورده، هر روز بیشتر از موضع زور و تحکم سخن می گوید. در نتیجه آدامه جنگ توسط رژیم مرتجع خمینی کشور ما هر روز در موضع ضعیف تری قرار می گیرد. رژیم خمینی درین بسته مرکزی جنگ، همچون گرگ بار در ا حصار ای جنگ و نسلان نشان می دهد و به خیال نجات خود همچنان بخون می ریزد و پیران می کند و در بوق های جمهوری شعار جنگ، جنگ تا پیروزی را می دهد.

چند ماه قبل از این وزیر منابع رژیم صدام یک خود ا فشاگری بی پرده، اعتراف کرد که منابع جمهوری اسلامی سرا را بسته و مونتازگار است و گفت: " حتی مرغ ما هم مونتاز است." همین وزیر اخیرا گفت صنایع کنترلی سه ماه اول سال جاری نسبت به متوسط تولید ماها نه سال گذشته ۲۴ درصد کاهش داشته است. محسن نوربخش مهره دیگر ارتجاع نیز اعتراف کرده که در سال پیش رشد بخشهای کشاورزی، معدن، برق، آب و گاز و صنایع نفتی و پلاستیکی رسیده است. (اطلاعات ۱۲ اردیبهشت) و لیا لیه زمانی یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع نیز در جلسه ۳۱ تیر، مجلس گروه دیگری را ا فشا کرده و می گوید: " ۶۰ میلیون هکتار زمین در حال تخریب و در سیر بقیرایی را چه کسانی با بدربارند؟ مسئولیت نابودی جنگلهای غرب و شمال کیست؟ حال این همه را بنگارید و ببینید ویرانیهای جنگ تا کارنامه عقربت ارتجاع تکمیل شود در این بنیاد سرپرست " ستاد سازای و نوسازای مناطقی چگانه می گوید: " با تخریب ۵۱ هزار و ۳۰۹۱ روستای کشور از آغاز جنگ تحمیلی تا پایان اسفندماه ۶۳ بیش از دو بیست میلیون روستا و روستا بیست و سه میلیون دلار بطور مستقیم و غیر مستقیم خسارت جنگی به کشور وارد آمده است." (راديو جمهوری اسلامی ۶۳/۲/۹)

طی ماههای اخیر صدها کارخانه نیمه تعطیل و تعطیل شده و در اکثر کارخانهها تولید معدودت کاهش یافته است. کارخانه ایران تا سونسل بنزخاورد، دارو پخش، ایرانا با طری سازی شهریا فولاد سازی اوزار زمره کارخانههای صنعتی تولیدات شان به شدت کاهش یافته و برخی بحالت نیمه تعطیل درآمدهند. کارخانه کفشد ملس و جنرال تا پیریزانموند آدامه از کارخانهها هستند که تولیدشان بکلی خوابیده است.

به موازات کاهش و قطع تولید در کارخانهها، بازار کارگر و کارمندان دسته اخراج و پسا با خرید و پانزدهت اجباری می شوند. ارتش میلیونی بیکاران همچنان انبوه ترمی نشود. در شرایط کنونی بگون کاملای دهها هزار کارگر معینی و متخصص، هر روز در دستهای بزرگتری به ارتش بیکاران می پیوندند.

هم اکنون بیش از هر زمانی جنگ و بیجسرا ن اقتصادی بهمگره خورده اند. در واقع جنگی که در خلیج فارس و جزیره خارگ جریان دارد بطور خاص جنگ نفت با جنگ اقتصاد است. اقتصاد دلتاشی شده جمهوری اسلامی تنها به تنگنای نفت هنوز زنی می کشد. بنابر اینسنگ نفت شدیدت در دستهای تنگیه حملات عراق به خارگ و به کشتیهای نفتی ضربتی مرکبا راست. اگر صدور نفت از جزیره خارگ قطع شود، رژیم بخش اعظم امکان تامین آرزوهای مردمی و دموکریک در تنگنای نفت در زمینه خرید و تسلیحات جنگی، بلکه در زمینه تامین مجموع مواد و قطعاتی که کار و تولید کارخانهها به آن وابسته است، درین بست کامل قرار می گیرد و در نتیجه تعطیل کارخانهها و اخراج کارگران ورگود اقتصادی به نقطه اوج می رسد. چنین رویدادهای طبیعتا بحران هر چه شدیدتر اجتماعی و سیاسی را در پی خواهد داشت. نکته مهم این است که بحران اقتصادی رژیم، علیرغم صدور مقرر و رکلانی نیست آدامه و تکوین یافته و هر روز فرادانیز، حتی اگر حجم نفت فروشی رژیم کاهش نیابد، اینس بحران عمیق تروا در می شود. تکوین تدریجی بحران اقتصادی در درون دموکراسی، آدامه و امکان اوج گیری سریع بحران در نتیجه کاهش شدیدت صدور نفت دو وجهی هستند که هر یک در جای خود با هم توجیه دقیق قرار گیرند و در رابطه با هر سنگ پیش بینی های ضروری ت می کنند.

بحران درون هیات حاکمه نیز، بسا همس تلاشی که خمینی و منتظری و دیگران بسرا ی تعدیل آن انجام داده و می دهند همچنان آدامه در دهها راجندگای شدت خاصی بخود می گیرند. آخرین نمونه و شومو در این زمینه کشاکشهای شدید حکومتیان در جریان انتخابات رییس جمهور، خصوصا در جریان گزینش نخست وزیر است. کشاکش بر سر ترکیب کابینه سالهاست که آدامه دارد. جناحی از ارتجاع خواهان روی کار آوردن مهره مناسب تری بجای موسوی است و معتقد است که موسوی و ترکیب کابینه وی با سرعت لازم بر نامه ولایت نفی در عرصه های اقتصادی - اجتماعی را بیاورد نمی کشد. خمینی و منتظری هنوز زنی نیست و بریرا صلاح نمی دانند و تاکنون بهمترین تلاش را کرده اند. نکته مهم آنرا اینست که منتظری و وزیر چاره عمل بیوشد و بدین ترتیب سازش لازم پیدا آوردند. اما تلاشی آنها هرگز نتوانست به این کشاکش خاتمه دهد. بعکس در جریان گزینش مجدد موسوی به نخست وزیر ای کشاکش منجر به نفی اشکار دستور خمینی از سوی عده کثیری از مجلسیان شد.

قبل از معرفی موسوی، خامنه ای رییس جمهور کوشید تا همه حکومتیان بر سر فرود ا حدی توافق کنند، اما یک دسته بندی بزرگ از حکومتیان اصرار داشتند که از میان چهره های کسب دارای سناقت قبسه طولانی تر

و مطمئن تری در حمایت بی مهابا از افکار و نگاه تریس منافع سرما به داران بزرگ و فشد و لیا و خا نهها هستند. نصبت وزیرا شدت با شود، دسته دیگر نیز با تاکید بر خدمات شایان موسوی به سرما به داران غارتگر رژیم ولایت لقبه وزیر بدستی همسایه امکانات او برای مردم فریبی، و همچنین بدلیل تعلق موسوی به دسته بندی خاص خودشان از انتقابت مجددی دفاع می کردند. خامنه ای رییس جمهور نتوانست سازش لازم را پیداورد و در نتیجه به عده ای از مجلسیان برای کسب تکلیف دست به دامن خمینی شدند. خمینی نیز صلاح را در آن شخص داد که با تضمین بندی موسوی به کلان سرما به داران از ان فشد و لیا و برای لیبی از فشد و لیا و از پیش درگیریهای را ابقا کند. اوطی بیامی به مجلس بطور صریح و قاطع به سود موسوی نظر داد. اما علیرغم تلاش و طعن فرما ن خمینی، و علیرغم عامه گر و گداختن منتظری و دیگران، در آنگزای ۲۲ تن از نمایندگان رای مخالف ۲۶۰ تسان رای سفید دادند. بدین ترتیب ۹۹ نماینده به فرمان خمینی آهنگار پناخ ردها در ترحیم " ولی قبینه را زیر پا گذاشتند. این رویداد به نوبه خود رویدادی جدید و بسیار قابل توجه بود. دلیل کتمان نا پذیرسی تصنیف قدرت خمینی در حکومت است. اینس رویداد در محافل حکومتی و در میان پیروان ولایت فقیه تاثير شدیدی و متشنج کننده ای بجای گذاشت. در قم طلاب تشریف دار خمینی علیه نمایندگان خاطسی نظرات کردند.

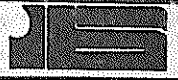
خمینی، در تاریخ ۲۴ مهر ماه بهنگا میدار را، رفسنجانی و نمایندگان مجلس کوشید این رویداد را عادی و نمود کننده و ضربه ای را که بروی او رده شده بپوشاند. اما اینتوانست بطور کامل خود را کنترل کند و با دیگر سرپیچی کنندگان از فرمان خود تهدید کرد. خمینی بازم با تاکید بر "مصلح اسلام" و در نظرداشتن اعتراض و نبرد و به رشد خلق همسایه جناح های ارتجاع را به اتحاد دعوت کرد.

عظیم ترین بحران رژیم جمهوری اسلامی کسه زمینه ساز نابودی آن است. خامنه ای نفرت فزاینده خلق از این رژیم است.

مردم کشور ما، کارگران، دهقانان، کارمندان سربازان، دانشجوین و دانش آموزان، پیشه وران و دیگر زحمتکشان، با رنج و بحران اقتصادی و ستم اجتماعی را هر روز در تنگنای کتر بدوش کشود می کشند. آگاهی مردم نسبت به آدامه های رژیم ارتجاع، بر سر تخریب در دناک روز متری فردی و جمعی آنها فزاینده می یابد و به موازات آن اعتراض و مبارزه مردم علیه جنگ و رژیم گسترده تر می شود. جنگ، خفقان، سرکوب، بحران اقتصادی گسترش یافته و جوارل دسترنج مردم توسط سرما به داران از ان لوفت، جبرآب تهدید تدریس مردم علیه این عوامل علی و علین کلینت رژیم با هم می یابد. اما مبارزه توده ای به شکل ساده و یک خطی گسترش نمی یابد. روند عموومی مبارزه مردم، روندی است شتاب بگیر و رو به گسترش کسه بیشترین تمرکز آن روی جنگ و سمت اصلی آن علیه رژیم است. این روند اکنون به مرحله ای رسیده که با تقویت می توان گفت اکثریت مطلق مردم در آرزوی نابودی رژیم خمینی هستند و هر روز شمار پیشتری از آنها خواست خود را عیان می سازند.

در آدامه این روند عموومی و عقی، اقتست و خیزهای گوناگون نیز وجود دارد. تحت تاثیر برخی رویدادها ممکن است موج اعتراضات یکبار و بسا سرعت گرفتن پیش بینی بالا گیرد. چنین چیزی ممکن است کم دوام و با پردوام و با ملامت برکت با شد. جنبش جنگی، تحت تاثیر سرحملات نظامی سال گذشته و به عراق و قتل عام های ناشی از آن سرعت زیادی پیدا کرد. در جریان بمباران شهرها طی چند ماه گذشته اعتراض مردم به آدامه جنگ یکبار و بسا می با بقدهای اقتست و همزمان رژیم خمینی و رژیم عراق آماج خصم و نفرت بیگران مردم قرار گرفتند. در سراسر کشور مردم با نظرات و اشکال دیگر، اعتراضات علیه جنگ و رژیم را افزایش دادند. اکنون بسا انتقال جبهه ای نبرد به خلیج فارس و در نتیجه تاثير این نبرد بر شدت بحران اقتصادی و وخالت اوضاع اجتماعی بازم شرایط برای خیزشهای تازه تری می تواند فراهم شود.

ما با بدهم روند تهدید و تکوین تدریجی و طبیعی بحران اجتماعی را به پیش می بینیم. امکان بروز بحرانهای خاص در سرحملات و رانای برای رویی با هر دو حالت کلا آماده با شیم. برتری کارما این خواهد بود که بتوانیم مکانات مان را طوری سازمان بدیم که در هر دو حالت، او از هر دو حالت برای بسج خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بهره مند شویم. برتری ما این خواهد بود که توده های مردم در راستای گسترش نبرد علیه دسته های این رژیم بمرند. بیضا هنگ واقعی خود یعنی کوششها را بیضا پیش خود دنیا بند و سرا انجام از میان همه رنگ و برنگها، هر چه سرخ ام انقلاب خود را بیا فزاند.



اعتراض جهانی به اعدام فدائیان اسپر

انتشار خبر تدارک اعدام رهبران اسپر سازمان ما خشم و انزجار گسترده‌ای را نسبت به ددمنشی‌های رژیم پهلوی بر سطح جهان برانگیخت. احزاب، سازمانها، انجمن‌ها و شخصیت‌های مترقی و دمکرات برای زنجیر زدن به دستمان خون چکان خمینی اقدامات گسترده‌ای را سازمان داده‌اند. آنها با انتشار نامه‌ها، اطلاعیه‌های مطبوعاتی و... اعتراض و تکراری خویش را نسبت به صدور این احکام اعدام ابراز داشته‌اند. در زیرتعدادی از آنها را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم:

رفیق گمن‌ها ل دبیرکل حزب کمونیست آمریکا برای مقابله با توطئه اعدام فدائیان اسپر نامه ای برای دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال داشت. در این نامه در مورد رفتار آنتونیروان لطفی و رضی الدین تابان از جمله آمده است:

"بنام انسانیت، از شما می‌خواهیم که به این احکام اعتراض کنید و بر تلافی‌های خود بیفزایید تا این احکام لغو شده و این مبارزین آزاد شوند."

حزب کمونیست یونان تکراری خویش در مورد خطر اعدام رهبران اسپر سازمان را در ارگان مرکزی خود ابراز داشته. ریوزس پاستیس ارگان حزب کمونیست یونان رفیق تابان را به عنوان "سمبل مقاومت در مقابل شکنجه‌های جسمی و روحی" ستود.

حزب کمونیست آلمان در نشریه "عصر ما" اعلام خطر کرد: "جان چند تن از اعضای کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که برخی از آنها چهار سال پیش دستگیر شده‌اند در خطر است."

از سوی رفیق ایگناسیو گایکو دبیر اول حزب کمونیست اسپانیا (تلفنگرامی به شرح زیر برای سفارت جمهوری اسلامی در مادرید ارسال شد: "از طرف خود و حزب کمونیست اسپانیا) ما یلیم شدیدترین اعتراض خود را به خاطر سر محکومیت ۴ تن از اعضای کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اطلاع شما و دولتتان برسانم."

همچنین از سوی دبیر روابط بین المللی سندیکا‌های کارگری اسپانیا نیز یک نامه اعتراضی در این زمینه انتشار یافت.

از طرف حزب کمونیستهای چپ سوئد و حزب کمونیست کارگری سوئد و ۱۱ سازمان سیاسی دیگر و همچنین ۷۰۰ نفر از شخصیت‌های انقلابی سوئد متنی خطاب به سفارت جمهوری اسلامی در آره از تکراری نسبت به سرکوت فدائیان اسپر انتشار یافت.

احدیه صفای شیطانی آلمان رادارل حزب کارسوشین متحد اتحادیه‌های کارگری هندوستان حزب سوسیالیست متحد برلین چند صد حزب سازمان، اتحادیه و جمعیت پیشرو و دمکرات دیگر و همچنین شخصیت‌های برجسته انقلابی همبستگی خود را با فدائیان اسپر در همسرین اعدام ابراز داشته و لفظ این احکام را خواستار شدند.

زده‌اند. این تلاشها نیز حاصلی جز شکست نخواهد شد نماید، به اعدام گروهی اسپران در بنددست داشت. آنها هرچه بیشتر خون بپریزند، سرکوت شوم تری را برای خود رقم می‌زنند.

مردم رزمنده ایران!
راه جلوگیری از این جنایات گسترش بازمهم بیشتر مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی است. فریاد خود را علیه تنه‌کاریهای هولناک اسپر رژیم ددمنش‌رسان سازید! علیه بیگدر و بازداشت و شکنجه و کشتار و انقلابیون و میهن پرستان بسپا خیزید! ایما داشته باشید که مبارزه متحد ما می‌تواند عمر این رژیم شهکار را کوتاه‌تر کند و پرچم پیروزی و رهایی را بر تمام میهنستان برافراشته سازد.

رفقا و هموزمان!
فدائیان خلق اندوه مرگ رضی را به کمیته علیه رژیم بدل کرده. و سرشار از عشق به خلق و کین به دشمن مردم بار دیگر بیمان خود را تجدید می‌کنند که همچون جزئی‌ها، حمید اشرف‌ها، تابان‌ها و همه شهیدهای پرافتخار فدائیان خلق آخرین نفس‌ها را در راه آزادی و استقلال میهن، به پیروزی و سعادت مردم و آزادی‌های والا طبقه کارگر با ناستند.

گرامی باد خاطره رفیق شهید رضی الدین تابان! رساتریاد فریاد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق علیه شکنجه و اعدام اسپر رژیم پیروزیاد مبارزه خلق در راه سرکونی رژیم جمهوری اسلامی ایران.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مهر ۱۳۶۴

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان زندانیان سیاسی رفیق رضی به اسطوره مقاومت مشهور شد.

زندگی رضی خود روشن‌ترین جلوه سیمای مبارزی است که از میان خلق رنج‌دیده و تحت ستم ما برخاسته است. او تجسم راستین مردم محروم ما بود. او سمبل برجسته نیلی بود که سدها در سیه‌ترین سالهای اختناق قاجاری با به میدان مبارزه گذاشت و اینک به دست جلادان سفاک جمهوری اسلامی حمله‌ور جان خود در راه آزادی و پیروزی مردم ایران نهاد.

رفیق رضی الدین تابان دومین عضو رهبری سازمان است که در یکساله اخیر قربانی سستی انتقامجویی سردمداران رژیم می‌شود. سستی گذشته آنها رفیق قربانی مودنی پور را شهید کردند. رژیم جمهوری اسلامی، تابان از نابودی رهبری سازمان به انتقامجویی از کادرها و مسئولین اسپر سازمان ما دست‌زده است.

اکتوبر جان بسیاری دیگر از بهترین‌ترین فرزندان خلق که در زندانهای رژیم اسپر در خطر است. از جمله آنها انقلابی سابقه در سرشناس، رفیق آنتونیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می‌باشد که بیش از دو سال است تحت شکنجه‌های وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی در زندان بسر می‌برد.

رژیم خمینی با اعدام رفیق رضی جنایت هولناک تازه‌ای را مرتکب شده است. آن‌ان که به رغم ددمنشی‌ها، پیگردها، بازداشت و شکنجه و کشتارها نتوانستند راه بالندگی جنبش انقلابی خلق و گسترش روزافزون حرکات اعتراضی مردم را

به یاد رفیق شهید رضی الدین تابان فرزند قهرمان مردم

رضی فرزند مردم بود. زندگی کوتاهش را شما وقت مبارزه برای پیروزی و سعادت مردم ایران کرد. از زمان دوران مدرسه زمانی که خود را شناخت، از همان زمان که با محرومیت و فقر و تنگدستی مردم زحمتکش میهن وظلم و ستم و شلای و شکنجه رژیم فاشد، برای ابدی با شخصیت نظام طالمانه طبقاتی، آشنا شد. بیمان بست که تازمانی که زندگی چنین است، تازمانی که اقلیتی متمدن و بهای خون و میراث اکثریت زحمتکش میهن زندگی فادوانگل و ارخود را ادامه می‌دهند از پایی نشینند. رضی همیشه به این بیمان و وقادار ماند و زندگی خویش را در راه مردم نهاد.

رفیق رضی سال ۴۹- وارد دانشکده فنی تهران شد و بسیار زود به چهره برجسته جنبش دانشجویی بدل گشت. تنها چندماه بعد رژیم آواره جرم شرکت در زمان مدهی نظاهرات دانشجویی با زداشت کرد. یک سال در زندان ماند و در برابر شکنجه و بازجویی ساواک دم بسری نسیبناورد محیط زندان و زندگی در کنار انقلابیون پرتجربیه رضی را آبدیده تر ساخت. پس از آزادی، او در هادیت مریا زات دانشجویی نقش برجسته‌ای بر عهده گرفت، و با بار دیگر در بهمن ۵۵ دستگیر شد. یک سال تمام زیر بازجویی بود. ساواک، بدینال ردیای فدائیان خلق او وحشیانه شکنجه کرد. اما رضی کلمه‌ای نگفت. روزی در زندان به یکی از براهی مقاومت و مبارزه بدل گردید. بدلیل سوابق مبارزاتی و ایستادگی انقلابی از مسئولان فدایی خلق در زندان دانند. در مرداد ۵۶ دوران محکومیت سه پایان رسید. اما به جرم ایستادگی بر اعتقادات، وی را آزاد نکردند. در سال ۵۵ بار دیگر به اتهام فعالیت در زندان، محاکمه و به ۴ سال دیگر زندان محکوم شد. رضی در زندان همانگونه بود که در بیرون بود. فعال، شگفتی ناپذیر، شور، مؤریان با لبخندی صمیمی بر لب.

وقتی به نیروی قهرمانی و فداکاری خلق در هادای زندانهای شاه گشوده شد، رضی نیز در میان آزادگان بود. آزادی آزادی به درستی با سرخوش مردم بی‌بیت، خانه و به مرکز فعالیت علمی فداییان خلق بدل شد. در سازماندهی نظاهرات ۲۱ بهمن سازمان که نقش عظیمی در پیروزی انقلاب بازی کرد، فعالانه شرکت نمود. آن دوروز فراوانش نشانی قیام، رضی دیگر میهار شدنی نبود. برای سرد و پیروزی سازماندهی نمی‌شناخت. با دیگران عضویت آزاد، مرکز راد و بوتولویزیون، هر جا که خلق دزهای دیکتاتوری را غریمی ریخت، رضی در سربار فریاد پس از انقلاب، نقش حاس سازماندهی توده‌های عظیم جوانانی را که به سوی آزادی می‌روند، بر عهده گرفت. مسئولیت سازمان دانشجویان پیشگام بر عهده او گذاشته شد. در تشکیل سازمان جوانان فدایی خلق (اکثریت) نقش برجسته‌ای ایفا کرد. دبیر کمیته مرکزی و مسئول کمیته ایالتی تهران سازمان جوانان فدایی بود. در هات اجرا به کمیته ایالتی تهران سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت) عضو بود. در بنددست خود ۶۱ کمیته مرکزی به پاس شایستگی و خدمات جانشان را پیش در راه مردم به عضویت متاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برگزیده شد.

اما رفیق رضی در افسندماه سال ۵۶ توسط رژیم جمهوری اسلامی دستگیر شد. از همان آغاز زرفضا شدیدی شکنجه کرد. قرار گرفت. مزدور رژیم از نفس حواس او در زمان مطلع بودند و اطلاعاتش را می‌خواستند. رضی به شیوه همیشگی لب فرو بست. مدتی بعد تپورش وحشیانه و سراسری رژیم خمینی به حزب تبعیدی ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آغاز شد. رژیم همه تنییس‌سروی جنینی اش را برای نابودی فدائیان خلق بکنکار انداخت. اسرای سازمان را با ردیکوبه شکنجه‌ها، هیا کتا شدند. می‌خواستند روحیه‌ها را درهم شکنند. فداییان خلق را بی اعتبار سازند و قدر قدرتی خود را به نمایش بگذارند. فدایی خلق سر سخت بود و تسلیم ناپذیر تر از آنچه دشمنان می‌پنداشتند. رضی در نبرد با جلادان تنها نبود. ایما ن خلیل‌نایب به مردم، خشم و نفرت از رژیم جنایتکار فدایی وحشانه و ساگوه رژیم فداییان خلق که از دیوارهای بلند زندان می‌گذشت و بر جاها می‌نشست به او کمک کرد تا استوار بماند. بیگدرش فریادیده شد و به خون نشست. اما شکنجه و شلای بر اعتقاد دیوالدینش کارگر نشد. داستان مقاومت قهرمانانه رضی از بدرون اتاقهای شکنجه گذشت. در بنددها و سلولها بیچند و از آنجا به بیرون فرز کرد. رضی به سبیل مبارزه و مقاومت و الهام بخش رزمندگان در زندان و بیرون از زندان بدل شد.

رژیم که در برابر اراده رفیق رضی عاجز شده بود، جنایتکارانه او را در برابر جوجه‌ها استخدام قرار داد. در آن میگاهایی که رضی در برابر جوجه اعدام ایستاد، قتلخ زمستی مزدور و فرودخته هم گمن‌ها در این جنایت وحشیانه نبود. اما می‌توان آخرین بیما میا و آخرین فریادهای فدایی خلق رفیق رضی الدین تابان را شنید که دل سباهی را می‌شکافت. مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم، زنده باد خلق، درود بر فداییان خلق، زنده بساد کمیونیسم.

گلوله‌های پاینا داران رژیم خمینی سینه فرزند قهرمان خلق را شکافت. صداخوش کدوست‌ساز و دیگری اوج گرفته و در کنار رندها ستاره سرخ سر تا سرگرمی فداییان خلق نشست. رضی به بیمان خویش با مردم و نادار ماند.

جنایتکاران از اعتراف به جنایات خویش هراس دارند. رژیم جلدخمینی کوشید اعدام رفیق رضی را در پس پرده نگاه دارد. اما خبر رانی توان بیمان ساخت. اینکه همه مردم از آن اطلاع یافته‌اند و با خشم و نفرت این جنایت را محکوم می‌کنند.

مشتنای فداییان خلق کرده ترمی می‌شود. مفوت فترده ترمی می‌شود. گامها استوار ترمی می‌شود. بازاری شکنج ما را ندارد. ما گردان پیشکشاز کارگزاریم ما فریاد دشمن محروم‌ایم. ما بسا رژیم ما می‌مانیم. ما می‌رزمیم. پیش می‌رویم و دیربسا زود پرچم سرخ پیروزی را بر آوار کاج ارتجاع بر می‌افرازم.

جمهوری ضد بشر
محا کمه نشده‌اند. عده‌ای ز زندانیان با وجود بیابان یافتن دوران محکومیتشان در زندان نگه داشته شده اند و خوشبختانه آنها از ترس اقدامات تلافی‌جویانه رژیم موضوع زندان را نمی‌کنند. کسانیه هم بوده‌اند که با وجود دادن تول آزادی آنها بعد از درس گورشان را به‌خا نوا ده‌ها بیابان داده‌اند.

افزودن رژیم جمهوری اسلامی قانون جنگل حکمفرماست و جان و مال و ناموس مردم از تحا و ز مزدوران رژیم ممنون نیست. در جمهوری آسروباخه اسلامی اعدای میا و مخپیان و دست‌جمعی زندانیان سیاسی، حتی اعدام زنان حامله و نوجوانان بصورت امری عادی درآمده‌است. جانیان رژیم هر وقت که دلشان بخواهد به سراغ افرادی که مورد سوءظن قرار گرفته‌اند، می‌روند و او را می‌بایند و چنانچه به فرموده نظردستری نداشته باشند، اعضای خانواده او را به گروگان می‌گیرند.

زندانیان از شکنجه‌های وحشیانه روحی و جسمی که به یک سیستم تبدیل شده بطور مداوم در رنجند جمهوری اسلامی صدها تن هجا ل فقط برای اسپر تنه‌کاری اختلاس یافته‌است. بخش عظیمی از بیومجه کشور صرف سرکوب توده‌ها و سازماندهی انقلابی می‌شود.

اعمال رژیم قرون وسطایی سبب شده که جامع بین المللی آتروا مظهرهای هتای جنایت علیه حقوق بشر می‌شود. آتروا در اسر رژیم‌های خونخوار شلم، آفریقا جنوبی، و... قرار دارند.

امروز در نظر مردم ایران و جهان، رژیم جمهوری اسلامی مظهرها مردمی است که روحانیون پر تحم برای ترساندن مردم آتروا ترسیم می‌کنند. مردم ایران این دوزخ و بیابان آتروا تحمل نمی‌کنند. مردم این دوزخ را بر سر دوزخیان حاکم و بیسران می‌کنند و بر سر گور آنها کشور خود را آتروا زاده خواهند ساخت.

منتظری فقیه مرتجع و "امیدام و امت" نقش ویژه‌ای در جمهوری ارتجاع برعهده دارد. او در حالی که در تمام جنبات رژیم علیه مردم ایران شریک و سبب است، ضمن دفاع از قدس‌سپاری و طبقات استعلاک‌گرا و توجیه سرشی آن، تلاش می‌کند نقش و سهم خود را در جنبات رژیم جمهوری اسلامی بی‌پوشا نشان دهد. او مفرقی در موعظت مقتضی به سوجد جمهوری اسلامی بهره‌برداری کند. از اینرو او ضمن سرپوش گذاشتن بر سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی و شبهکاریهای سران آن نگاهه سخنانی ایراد می‌کند و از دلخواه خود آن می‌خواهد که "قدر مردم" را بداند، "بسیار" دهقانان و محرومین "کمک کنند، به" و ضمن زندانیان "رسیدگی کنند، به" مطبوعات آزادی بدهند و لاج، او با این سخنان می‌خواهد خود را می‌زحمتکند و طغیان را از یاد می‌داند، اما مواضع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی "امیدام و امت" اهداف واقعی وی را بر ملا ساخته و آن سست‌نوی جبهه‌اش را بخوبی عیان می‌سازد.

جدید پیش، منتظری در دیدار با موسوی نخست وزیر گفت: "دولت باید ایدمل را بر آزادی افسرد و ستعددهای مرتولیدات صنعتی، تجاری و کشاورزی و گسترش چرخ اقتصاد میلگت بگذارد". سخنان وی بدین معنی است که او بدافع نظام منظر پوپسیسته سرما به دارای بوده و خواهان بی‌نظم تسلط کلاسان سرما به داران و بیزرگان مالکان در تمام عرصه‌های اقتصادی کشور است و تا منافع آنها را از وظایف اصلی دولت می‌داند و معتقد است که دولت باید دست این غارتگران را برای استثمار کارگران و زحمتکشان و غارت منابع طبیعی کشور مسان بیش از پیش باز بگذارد.

سال گذشته گفت: "کنجته دیگری که باید به آنها به آن توجه کنند، این است که امروزه با توجه به مگانیزه شدن کشاورزی در دنیا، دیگران در چند جریب زمین به یکی صرف نمی‌کنند، بلکه باید به بر حسب قدرت و توانایی افراد صاحب زمین و توانایی دارند هر اندازه که می‌توانند را زمین موات به آنها داده شود تا احیاء کنند". البته اعتقاد منتظری از این موات نیز بیاید که است و او گذار شود که "توانایی" دارند، معلوم است که دهقانان بی زمین و کم زمین آهی در بساط ندارند و بیایند این آهنا نمی‌توانند "کسان" منظور نظر منتظری می‌باشند، این فئودالها و سرما به داران هستند که سرمایه‌های کلان را در اختیار دارند. از اینرو لطف "امیدام و امت" در اینجا نیز ظاهر می‌شود. و سرما به داران می‌شود.

منتظری عوامفریبی خود را به عرصه آزادی مطبوعات نیز کشا نده است. وی در دیدار با مسئولین روزنامه‌های حکومتی ضمن ملامت آنها گفت که چرا روزنامه‌ها همان خط دولت، خط پریش جمهوری، خط حکومت را تقییب می‌کنند. "افزود" اگر کسی چیز خوبی می‌نویسد ولو اینکه دولت هم با این مخالف است، اما همین اندازه که این معتقد به جمهوری اسلامی است و

فریبکاریهای منتظری

مقاله‌اش هم مفید است، این جور مقالات باید ازاد با شذوچاب بکشند". (اطلاعات ۲۳ شهریور مساه ۶۴)

هدف واقعی منتظری از طرح اینگونه انتقادات صرفا تان آزادی اظهار نظر برای جناحهای خاکمیت است. او به شدت از با لگرفتن اختلافات درون حکومت و از سر نویت جمهوری اسلامی نگران است. او با راه نگرانی خود را از بیرونی اختلافات در میان جناحهای حکومتی ابراز داشته و گفته است که "تکوییده که آزادی حزبی است و باید حزب است و آن دیگری به جهت آزادی ... این خط باید از پیشها را بریزد دور. من مطمئنم اگر این خط کشی هارا ادا به دهیم، همگی سقوط خواهیم کرد".

به همین خاطر است که او فریاد بر می‌آورد که "که" معتقد به جمهوری اسلامی هستند، بقا لاشان را چاب کشید.

و همچنین دریافته است که رژیم روزنامه‌ها را به با با رگانهای مطبوعاتی رژیم می‌داند و بدین لحاظ کوچکترین اعتقاد او اعتنایی به آنها ندارد و همین خاطر است که خطابه مطبوعات می‌گوید کاری نگذارد و حق از این مطبوعات بشود. او که روند مبارزات توده‌ها را علیه رژیم جنایتکار در حال گسترش می‌بیند و از برای هر چه بیشتر خاکمیت جمهوری اسلامی و سردمداران مرتجع

آن را با پوست و گوشت دولتمرد می‌کشد، می‌کشد به نظریاتی است که امروزه راه روزنامه‌ها، بیستی به حرفهای حکومت جلب کند و از این طریق بیستی عوامفریبی بهره‌آورد.

اما آنچه که به آزادی مطبوعات متعززی و انقلابی مربوط است، منتظری ما زندان بر سر مدبران مرتجع رژیم در قلع و قمع آنها شریک و سهیم است. همچنین وی بخوبی می‌داند که در سیاستهای رژیم - سیستم جدید، و هر روزدهها تن از بهترین فرزندان انقلابی میهن ما یا به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شوند و یا در زیر شکنجه‌های وحشیانه در زندانها می‌زیم، جان می‌سزیند، بدون اینکه حتی خبری کوتاه در این مورد از رسانه‌های گروهی رژیم منعکس شود. او بخوبی می‌داند که از گناههای سرکوبگر رژیم اعتراضات کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان را با سرکوب خونین، زندان، شکنجه و اعدام و اخراج دست جمعی از کارکنان می‌دهد. منتظری همه این جنایات را بر سرای سرها نگذاشته رژیم خود آشام جمهوری اسلامی ضروری و شرعی می‌داند.

وی همچنین زندانیانی را که از آزادی و شرف انقلابیان دفاع می‌کنند، و به همین خاطر قربانی ددمنشی‌های رژیم می‌شوند، افسرد می‌داند که "قابلیت اصلاح و صلح‌جودند از آلودست داده اند... برای جزجراحی اجتماعی و جدانودن آنان از اجتماع نیست". (اطلاعات ۲۶ آبان ماه ۶۴)

او ما زندانها و فریقای مرتجع معتقد است که روزنامه‌ها مطابق با بیستی در اینگونه موارد ندهند تنها کلمه‌ای نگویند، بلکه با نوشتن اراجیفی این همه جنایات وحشیانه را توجیه کنند.

آنچه که به اینکس خواسته‌های توده مردم در این روزنامه‌ها بر می‌گردد، منتظری خواهان آن است که برخی اعتراضات حزبی توده‌ها علیه برخی مقامات منعکس شود تا این سیستم را از زیر ضرب خارج شود. اگر کسی بخواد همیو ترسین خواست مردم را که همان برقراری فوری صلح و قطع جنگ می‌باشد، منعکس کند، منتظری از اولیسن فقیهای خود به دهنده کجک به قطع دست و مصلحه کردن نویسنده آن، خواهد داد.

خلاصه کار، سیستمی منتظری بزرگترین مدافع جلاجهارام و بزرگترین شریک ایشان است. منتظری علیرغم سادگی‌های روستایی این سرمایه‌داری را خوب می‌داند و در دفاع از آنرا تنیک تشخیص می‌دهد. هدف فریبکاریهای وی این است که چهره واقعی خود روخا نیت روح را بیپوشا کند و در بین مردم نسبت به خود ما م و رژیمش توهم پدید آورد و آنها را سرگردان و از راه مبارزه منحرف سازد. اما مردمی که "امام امت" این سیستم را هزار رنگ را با زشتا خشنده، به ما پولیعه‌ها و گرفتار نمی‌آیند.

باز نفسگنی و دیگر احتیاجات اجتماعی نه فقط تضمین شده اند، بلکه با گسترش یافته و تکمیل می‌شوند. تحصیل رایگان و امکانات نامحدود برای کسب تخصص و تکمیل آن و برای پرورش استعدادها و هنری و دسترس و وسیع توده‌ها به ارزشهای فرهنگی تا منین شده است. همه اینها بیبا نگر و اهمیت برتری سوسیالیسم است، جامعه‌ای که بدست زحمتکشان ساخته شده و زندگی آزادان دامنای بهتر و مرفه‌تر و به لحاظ معنوی غنی‌تر می‌شود، در جامعه سوسیالیستی شوروی نخستین گام تاریخی را چنان به طرف برابری کامل اجتماعی برداشته شده است، تبعیض بر اساس طبقه و ملیت و نژاد و جنسیت از میان رفته است. حزب کمونیست اتحاد شوروی بر مبنای اصل رفاه‌های خود "سه چیز بنام انسان، همه چیز برای رفاه انسان" جامعه شوروی را در تحقق این پیروزیها هدا یات کرده و بسوی شکوفایی بی‌پیش می‌برد.

یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب اکتر، شرکت وسیع ترین اقشار مردم در اداره امور کشور است. شکل شورایی حکومت که تجربه‌ایست از انقلاب پدید آمده، بهترین شرایط را برای شرکت مستقیم توده‌ها در اداره امور کشور فراهم آورد. راه او در نظام انقلاب اکتر برای بشریت صلح و دوستی است. سوسیالیسم بنا به ماهیت خود صلح دوست است. مردم شوروی نشان دادند که قادرند دنیا بت با برترین تها جم دشمنان سوسیالیسم را پیروز نمایند تا از سر گذارنده و ضامن حفظ صلح مردم جهان باشند. اینک کشورها سوسیالیستی و پیرویه اتحاد شوروی دژ مستحکم دنیا را صلح جهان می‌سازند و بشری را سی در رفاه با سیاستهای جنگ افروزانه و تجار و کارانه امپریالیسم برعهده دارند.

۶۸ سال پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتر، سیستم جهانی سوسیالیستی، بیبا پیش همه مردم جهان صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم را برافراشته و تاریخ را به بسوی پیروزی نهایی رنجبران شوروی می‌کشد.

موضع منتظری در خصوص اختلافاتی که بر سر میزان فعالیت بخش خصوصی و بخش دولتی در میان سردمداران رژیم وجود داشت، دفاع آشکارا گسترش فعالیت بخش خصوصی بود. منتظری موعظت تصویب قانون اساسی را به یاد اول اصل ۴۲ که بر اساس آن، کلیه منابع بزرگ و ما در زمین بزرگ و فعالیتهای بزرگ کشاورزی و دامداری، تجارت خارجی، بانکداری، بیمه و... در دست دولت متمرکز می‌شد، مخالفت کرده و گفت: "دولت در شتر قدرت، نظام امور و لشکر و رزی و دامداری را ممکن است قبضه کند، در نتیجه آن، بخش خصوصی و تجارتی از بین می‌رود، خلاصه تبدیل به یک سوسیالیست می‌شود". (مباحثات "خبرگان" پیرامون اصل ۴۲ قانون اساسی اطلاعات ۵ شهریور ماه ۶۴)

منتظری ظاهرا بیش از همه سنگ دهقانان را به سینه می‌زند و چنین وانمود می‌کند که طرفدار اصلاحاتی به نفع آنان است. اما او بعضی اینکس از کلی گویی به شخص می‌رسد تا جایی که او در بیان نیز نیتها و واقعی خود را بر ملا سازد. وی در دیدار با قضا و وهیهای هفت نفره در آبان مساه

انقلاب سوسیالیستی اکتر، بقیه از مضعه اول دارنده نظام طبقاتی را پدید آورده و از بسدی جلوه دهند، مملو با روشنی بسیار نشان داد. در برتو انقلاب اکتر، اندیشه‌های علمی و انقلابی ما را کمیسر - لنینیسیم به سرعت در برابر جهان نفوذ یافت. و تا شیری عمیقی در بیداری خلقها و گسترش مبارزات آنان ایفا نمود. انقلاب اکتر را پیروزی انقلاب راه شامی خلقه‌ها نشان داد. انقلاب اکتر اثبات کرد که تنها اتحاد کارگران و دهقانان با رهبری طبقه کارگر، و تنها برقراری دیکتاتوری پرولتاریا می‌تواند بسوی بهره‌کشی و بر دگی را بر دارد و پیروزی انقلاب سوسیالیستی بیبا نباشد. پیروزی اکتر را نسبت تا رخی حزب کمونیست در رهبری انقلاب و تحقق آرمانهای شکوهمند کارگران و زحمتکشان به اثبات رسانید.

تحوالاتی که بعد از پیروزی انقلاب اکتر و در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در کشورهای در حال توسعه گسترش یافته و شکوفایی سوسیالیسم و تریسب زوال و نابودی امپریالیسم آنتاندرات عظیم و دورانشا از اکتر در روند تحولات جهانی است. انقلاب اکتر بیبا پیش سببست جهانی سوسیالیسم و پیروزیهای جنبشهای راهی بشری ملی را تریسب کرد و بیگاهه نبرد در راه نابودی سیستم مستعمراتی شد. اگر در آستانه انقلاب اکتر ۶۶٪ جمعیت جهان به اشکال مختلف در بسید مستعمرات گن قرار داشت، این نسبت اکنون به حد مفر رسید است.

انقلاب اکتر بر مبارزات انقلابی در میهن ما تا شیری عظیم بجای گذاشت. حمایت بی دریغ اتحاد شوروی از استقلال و آزادی و شکوفایی میهن ما، نقش سترگ در جنبش انقلابی ایران داشته و همواره پشتوانه نیرومندی برای مبارزات طبقه کارگر و همه مردم ایران بوده است. دستاوردهای عظیم مردم اتحاد شوروی نخست رهبری حزب کمونیست آن کشور، همچنان الهام بخش همه رنجبران جهان در برجسته ترین جلسوه

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

فعالیت انقلابی در نیروهای مسلح

برخورد با مسأله نیروهای مسلح، تعیین سرشت و عملکرد آنها و چگونگی فعالیت انقلابی در درون سازمانهای نظامی برای ما از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. مارکسیسم - لنینیسم بر پایه تحلیل علمی، منشاء و سرشت اجتماعی نیروهای مسلح را در نظامهای مختلف معین کرده و خصیصه طبقاتی آنها را مشخص ساخته است. مارکس، انگلس، ولنین به تحلیل همه جانبه در این زمینه دست زدند و آموزشهای پرارزشی پیرامون ماهیت نیروهای مسلح، علم نظامی، اصول و شیوههای مبارزه، تشکیل سازمان نظامی، پروتکلها، آرایشها، دادهاند. بر طبق این آموزها، نیروهای مسلح در جوامع طبقاتی همواره وظیفه به انقیاد کوشش در زحمتکشان، دردمند، بیچارگان و محرومان است. از سیستم اقتصادی - اجتماعی - سیاسی حاکم بر جامعه دارند، علاوه بر نیروهای مسلح در خدمت حفظ قلمرو کشور و نظارت بر نظم داخلی، خارجیه به انقیاد در آوردن خلقها، و نظارت کشورهای دیگر است. اعمال قهر سازمان یافته علیه تودههای زحمتکش منتهی اصلی و پیرایه آنها، مناسبات طبقاتی حاکم است. هدف از اعمال قهر، تأمین حاکمیت استعمارگران و منافع اقتصادی آنهاست. انگلس می نویسد: "... اعمال زور تنها وسیله است، و برعکس هدف هما ناسوداقتضای می باشد." طبقات بهره کشی می کنند، با هیبت ارگانهای مسلح را پوشیده نگهدارند. آنها نیروهای مسلح را بیدار می دارند "ایدی" - فوق طبقات "قلمداد" کرده و این ارگانهای سرکوب را بمشابه نیرویی مغربی می کنند که گویا حافظ منافع همه طبقات از جمله تودههای زحمتکش است. در جوامع طبقاتی سرمد ضرورتا علیه طبقات حاکم و ممتنع و ایجاد درگونی اجتماعی به سرودن دیگران می کنند. اما طبقات حاکم هرگز بخودی خود قادر نمی شوند که قدرت سیاسی را داد و طلبا نه به طبقه مناسبات استعمار دارند. بسیارند برعکس آنها هم نیروهای مسلح را بعنوان ابزار زور جهت اعمال فشار و قهر بر طبقه کارگر تودههای زحمتکش تجهیز می کنند و همیشه آماده اند تا زور نیروهای مسلح برای سرکوب جنبش انقلابی تودهها و تحکیم قدرت سیاسی خود به شکل بی رحمانه استفاده کنند.

در چنین شرایطی پروتکلها و شیوههای زحمتکش و احزاب سازمانهای پیشاهنگ آنها برای مقابله با سرکوب ارگانهای قهر طبقات حاکم، دردمند و محرومان، ما بین نظامی آنها، کسب قدرت سیاسی و محسوس آن، جایزای جزئی به بیچارگان رومانی قهر بیخونگی سازمانهای نظامی و ایجاد و توسعه مختلف و آموختن دانش و فن نظامی ندارند.

طبقه کارگر و زحمتکش پیشاهنگ آن هیچ وقت مدافع جنگ نبوده و جنگ را بمشابه شیوه و چشمانه حسیل مسایل مورد اختلاف بشریت تقبیح می کنند. ولی تا زمانی که جامعه به طبقات متخاصم تقسیم شده و استعمار فرود زده وجود دارد، درگیری برای اعمال قهر اجتماعات نا پذیر می باشد. کمونیستها همیشه کشت و کشتار را محکوم می کنند، ولی طبقات حاکم در جوامع طبقاتی همواره به سرکوب جنبش انقلابی طبقه کارگر تودههای زحمتکش توسل جسته و برای حفظ قدرت به هر جنایتی دست می یزند. ستان انگلس در این زمینه بسیار آموخته است: "بزرگوارانی به ما نشان دادند که در نظر ما نه می توانند از پروتکلها و انتقام بگیرند، آنگاه که طبقه کارگر بمشابه یک طبقه مستقل با منافع خواسته های خاص خویش جزا را روی بسازد آن بیاید." (از مقدمه "چنگ داخلی در فرانسه")

تجربه تاریخی انقلابات دهه اخیر نشان می دهد که میریالیسم و دولتها دست نشانده آن برای جلوگیری از پیروزی جنبشهای انقلابی و به شکست کشاندن انقلابات پیروز و مبارکان را است. اعمال قهر مسلمانانه تودههای بخود راه می دهند. کافسی است ما به تجارت ۱۵ ساله اخیر کشورها بی نظیر نیلی، ایران، کرمانا، ویتنام، اینویسی، نیکارا، گویا و افغانستان توجه کنیم. این واقعیت، طبقه کارگر و سازمانها پیشاهنگ آنها را درمی کند که نه تنها به مسأله قدرت سیاسی و چگونگی به کف آوردن آن، بلکه به بازار روایی و سازمانهای که باید برای حصول به این هدف بکار گرفته شوند بسازند.

طبقه کارگر و زحمتکشان کشور ما، از تجارب علمی و آموزندهای درمواجه با قهر سازمان یافته نیروهای مسلح برخوردار هستند که باید این تجارب را جمع بندی کرد و قضا کنید، و در پرتو تیک مبارزاتی بکار گرفت. مردم ما در روند انقلاب بهمن وقتی در برابر بربر و زور مسلحانه رژیم شاه

قرار گرفتند، اندوختههای تجربی خود از امور و فنون جنگی و نظامی را بکار گرفتند. آنها با ایجاد صفوف منظم رزمی و با حرکات هماهنگ در نظر هرات وسیع خیابانی، اعتراضات سیاسی، ایجاد دواغ برای عبور و مرور ماشینهای نظامی دشمن، جنگ و گریز در خیابانها و کوچهها، سنگربندی در مناطق مختلف شهر و باقیام مسلحانه به مبارزات خود جلوههای پرشکوهر بخشیدند و بدینسان منسجم ترین و قدرتمندترین ارتش منظم را بنا نهادند و در نتیجه، مهذبا این حرکات تودههای فاقده سازمان و سرسری ضروری بودند و تجهیزات کافی نظامی مجهز نبود. چرا که نیروی قهر در عرصه جدید، شمشیر، چوبدستی و چاقو نیست، بلکه یک ارتش و یک سازمان نظامی است که باید تا زمانه داد.

آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم، تجسبات انقلابات و مبارزات تجربی مشخص انقلابات ایران از مشروطیت بدین سوچاکی است که برای کسب قدرت سیاسی و دفاع از انقلاب، درهم شکستن نیروی قهر استعمارگران امری الزامی است. لازمه این امر فعالیت جدی، بیگرو و انقلابی راه آمده کردن طبقه کارگر و تودههای زحمتکش برای درهم شکستن قدرت قهر بورژوازی و ایجاد سازمانهای نظامی به اشکال و شیوههای مختلف است. ما باید انجام این امر مهم را جزو مهمترین و مبرمترین وظایف خود بشماریم.

بنیان گذاران و سویا لیسم علمی به مسأله تسلیح تودهها و آموزش نظامی آنها و فعالیت در میان نیروهای مسلح دشمن اهمیت بسیار میدادند. آنان بطور جدی به مطالعه علم نظامی، مهندسی، سازماندهی نیروهای رزمی می پرداختند. از هزار تا رویدارگی که از لنین بجای مانده چندویسک دهم آن تا ما را بسیار بخوبی به مسایل نظامی اختصاص یافته است. لنین جدی ترین توجه را به تبلیغ و ترویج در میان سربازان و افسران و تشکیل سازمانهای نظامی مبدول می داشته. سویا لیسم دموکراتها پیوند انقلابات، کار تبلیغی کسب در این در میان سربازان، گرجه داران و افسران ارتش تزارانجام داده اند. آنها سازمانهای جزئی را در درون ارتش تزار به منظور تخریب و ایجاد و جلب آنها به اردوی انقلاب برپا ساختند. در سال ۱۹۰۵، شدت و چهار سازمان حزبی در میان سربازان فعالیت می کرد. در سال ۱۹۰۶ جهل و شمشیر سازمان نظامی در کمیتههای حزبی وجود داشت. در ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ این سازمانها، در حدود ۱۵۰۰ عضو در میان سربازان و افسران داشتند. با گذشته لنین در پائیز ۱۹۱۷ تقریباً نیمی از سربازان درجه و بیست و بیست و پنج از بلوویکا پیروی می کردند. در دست پیش از آغاز قیام مسلحانه در پرتوگراد، بلوویکا ارتشی از زکارگران ملانان و سربازان را در اختیار داشتند. کسب شمارشان حدود سیصد هزار نفر بود. شمار نیروهای دشمن کمی بیش از این مقدار بود.

تجربه موفق بلوویکا، اهمیت فعالیت در درون ارگانهای مسلح برای جلب پرسنل، تشکیل سازمانهای نظامی و درهم شکستن قدرت قهر سازمان یافته دشمن را بطور بارز نشان می دهد. برای فعالیت تبلیغی، ترویجی و سازمان یافته درون ارگانهای قهر دشمن، برخورد طبقه کارگر نسبت به نیروهای مسلح دشمن در روند انقلاب و از پایه نشی که هر یک از اقشار گوناگون اجتماعی موجود در ارتش در جریان تحولات انقلابی ایفاء می کنند، اهمیت بسیار دارد.

تجربات انقلابات ما بر خلقها و تجربه انقلاب ایران نشان می دهد که اقشار میمینی از ارتش را می توان بمشابه جزئی از نیروهای مدافع در تحریک انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک به حساب آورد.

در جوامع ارتش و سپاه مدافع منافع سرمایه داران و زمینداران بزرگ بوده و به لحاظ ماهیت و عملکرد، خود ارتضای هستند. ولی از جهت ترکیب اجتماعی و طبقاتی از اقشار مختلف تشکیل یافته اند. افراد ارتش و سپاه، عمدتاً از فرزندان دهقانان، کارگران و اقشار رزمیانی جامعه تشکیل شده است. این افراد به لحاظ طبقاتی اجتماعی و بطور عمده با میریالیسم، بورژوازی بزرگ و زمینداران بزرگ در تضاد هستند. انقلاب ۲۲ بهمن در این زمینه تجارب بسیار آموزندهای دارد. دیدیم که چگونه تعداد وسیعی از سربازان و زمینداران و افسران تحت تأثیر مبارزات تودهها و سازمانهای انقلابی به صفوف آنها پیوستند. در این میان نقش سربازان و افسران انقلابی در ارتش، بویژه هم افسران انقلابی، در جنبش انقلابی و در روهای قیام بسیار مؤثر بوده است. در این زمینه قهر باغی مرتجع در کتاب خود بنام "حقایق دربار بحران ایران" می نویسد: "عدهای از ازمایان در دستگاههای تهران مشغول ادامه تحصیل غیر نظامی بودند. در نتیجه با عوامل مشکوک داشتند. اینها موفق شدند با استفاده از نقاط ضعف و زمینههای مساعد ارتضای می. پرسنل نیروی

هوایی را بر علیه رژیم و ارتش بشوراندند. در ماههای قبل از انقلاب، تبلیغات گسترده نیروهای انقلابی و دعوت آنان از سربازان و درجه داران و افسران میهن پرست و انقلابی به مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم، تأثیر بسزایی روی آنها گذاشت و در ایجاد تودههای توده و تجزیه نیروهای ارتش نقش کاملاً موثری ایفا نمود. قهر باغی با زهم در کتاب خود می نویسد: "بخش اعلاجهها و انواعهای گوناگون در سربازان که بطور مخفیانه و بیسترتوسط افسران، درجه داران و سربازان و طبقه دیپلومه انجام می گرفت... متناسب با طرز تفکر و مسلح فکر هر یک از طبقات پرسنل نیروهای مسلح شاهنشاهی، یکی دیگر از راههای تبلیغاتی مغالطین بود." اعترافات این مرتجع نشان اهمیت و تمربخشی کار در نیروهای مسلح بمشاوران ایجاد تزلزل و ترسیدوران است.

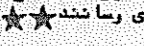
سازمان ما با توجه به این مسایل در سالهای ۵۸ و ۵۹ به اشتراک نشی تبلیغی، ترویجی و فعالیت سازمانها در میان پرسنل نیروهای مسلح دست زد و توانست در میان پرسنل نفوذ و اعتبار بدست آورد. در سالهای بعد متناسب در پیشرفت این روند، اختلافاتی بوجود آمد. بلیون مهرماه سال ۶۲ بدستی بر اهمیت فعالیت انقلابی در بین نیروهای مسلح با دیگر کادروزی.

اکتو، با در نظر گرفتن تجربیات گذشته و وظیفه های کلینوم در مقابل ما گذاشته است. با بدست آوردن و تمام قوا تلاش کنیم که این تجربه تجارب غنی و خونین را بدستی بکار گیریم. در نظر کنونی آنچه برای ما اهمیت جدی و استراتژیک دارد، فعالیت سنگینی نا پذیر در میان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است. برای انجام این وظیفه انقلابیانه در نیایی کار در پیش رود. ما در شرایطی که در میان نیروهای مسلح تا کید می و رژیم که رهبران جمهوری اسلامی، جامعه را به بحران بسیار عظیمی دچار ساخته اند، نبرد طبقه کارگر را ادامه داده. هدف بنیادی طبقه کارگر روز بروز روشنتر می شود. بحران اقتصادی، اجتماعات سیاسی، فرهنگی و اخلاقی سرتاسر جامعه را فرا گرفته است. جنبش طبقه کارگر و تودهها در حال تعمیق و گسترش است. رژیم در لحظه کنونی نمی تواند بر بحران فائق آید. جنگ به مصیبت بزرگی بدل گردیده است. هیچ امیدی برای کاهش بحران و قطع جنگ در چشم انداز نزدیک وجود ندارد. در چنین وضعیتی ارتش و سپاه نیز از این بحران عمیق مصون نمانده و دچار بحران بزرگی شده می شوند. بویژه مسأله جنگ که ارتش و سپاه متحمل آن درگیر هستند، این ارگانها را بیش از هر سازمان و نهاد دیگر جامعه، دچار بحران کرده است.

تشدید بدبینی و بی اعتمادی بین رژیم و ارتش، گسترش و تشدید اختلافات درون پرسنل ارتش بطور کلی، تشدید اختلاف میان دایره سیاسی - ایدئولوژیک با اکثریت پرسنل، اختلاف میان افسران جزء و درجه داران با افسران ارشد مدافع ارتضای، روحیه ترس آلودگی از افسران، رسوخ روحیه یاس و ناامیدی از پیروزی در جنگ و در اعناق نیروهای مسلح، مسایل و مشکلات عدیده زندگی مجموعه پرسنل، بویژه درجه داران و افسران جزء و با بحال شدن حقوق آنها، فشار رژیم از طریق دایره ایدئولوژیک سیاسی به پرسنل و از گوش دادن به موسیقی نیز محروم می سازند، و مهمتر از همه آدامه جنگ خانمانسوز، ارتش ایران را با بحران بزرگی مواجه ساخته است. مجموعه عوامل برشمرده نشان می دهد که در لحظه کنونی، با توجه به ترکیب و ساخت اجتماعی ارتش، وضعیت بحرانی جامعه و درون ارتش، زمینه برای کار در میان پرسنل نیروهای ارتش از هر زمان دیگر فراهم است.

فدائیان خلق ایران با دیده این مهم، توجه جدی مبدول دارند. کار تبلیغی، ترویجی و سازمانها در میان نیروهای ارتش و در جبهه های جنگ جزو مهمترین و مبرمترین وظیفه ما است. فدائیان خلق با دیدن میان پرسنل نیروهای مسلح رژیم به هر طریق که ممکن است چه در درون یا دگانها و مدارس آموزشی، چه در جبههها و محیط زندگی آنها بطور گسترده فعالیت کنند.

پرسنل انقلابی و طبقه داران در ارتش، هسته های انقلابی از منظمترین و مورد اعتمادترین همکاران خود یعنی کسانی که طی سالها صاف و همگامی نزدیک مورد اعتماد قرار گرفته اند، تشکیل دهند. این هستهها باید با دیدارها با یکدیگر موفقی کسب می کنند. تشکیل شوند و همواره سری و مخفی بمانند. فدائیان خلق وظیفه دارند تمام امکانات و نیروهای خود را در اختیار کسانی که در این زمینه فعالیت میکنند، قرار دهند. فدائیان



در برابر راهپلین سیاسی

سازمان ما در چند سال اخیر موفق شده توطئه های رژیم خمینی برای نابودی تشکیلات ما را یکی پس از دیگری خنثی کرده و با تطبیق سازمان نهایی خود با شرایط جدید و در شرایط یک نبرد گلا تا برابری و دشواری فعالیت انقلابی، خویش را در زمینه های مختلف گسترش دهد. در نتیجه این نبرد، رژیم مجبور شده است سیاست سکوت در مورد سازمان ما را کنار بگذارد و ضمن اعتراف به نقش فعال سازمان در مبارزات جاری توده های مردم، توطئه های تازه ای را در پیش گیرد.

فدائیان خلق و بیوزره رهبری گروه های مخفی سازمان ما به شناخت خود را بطور مستمرا از مبارزه با پلیس سیاسی ارتقا داده اند. بخشی کردن و درهم شکستن تلاش های جدید رژیم برای پیش میزگردن و مرکز بخش های پراکنده نیروی مخفی رژیم در سواک جدید و تقویت مستمرا این مرکزها تجارب و امکانات سازمان نهایی جاسوسی غرب، امکانات تازه ای در اختیار پلیس سیاسی رژیم قرار داده است. اخیرا علاوه بر تمرکز بخش های اطلاعاتی ارگان های نظامی و انتظامی (اطلاعات سپاه، کمیته ها، رکن ۳ و اداره خراست نخست وزیری)، اداره آگاهی شهری را نیز کل کشور نیز بطور مستقیم در خدمت پیشبرد اهداف سواک خمینی قرار گرفته است. انجمن ها، نهادها و افراد دوما قبل انقلابی مذهبی که همیشه با نقشه و برنامی علیه کمونیستها عمل کرده و می کنند همواره با محافل رنگارنگ سلطنت طلبان و دستگای های جاسوسی غرب مستقیم و غیر مستقیم امکانات و تجارب خود را برای پیشبرد مشترک مبارزه ضد کمونیستی در اختیار رژیم قرون وسطایی خمینی قرار می دهند.

با این همه رشد و گسترش اعتراض و مبارزه مردم علیه رژیم و تشدید تضادهای درونی حکومت و انفرادی و آزادی آن به شمر بخشی هر چه بیشتر مبارزه با پلیس سیاسی می افزاید. رشد و گسترش مبارزات کارگران و زحمتکشان بخش مهمی از نیروی امکانات سرکوب سواک رژیم را خنثی می کند و از کارایی آن علیه سازمان نهایی انقلابی می گذارد. افزایش تجربه و کارایی اعضاء و کارکنان سازمان ما در محافل با ترفندهای مستمر ارگان های امنیتی در چند سال اخیر، عامل مهم دیگری به نفع مبارزه علیه پلیس سیاسی است.

نتیجه قابل تامل آنست که هرگز نباید نیروی دشمن را از میزان واقعی آن کمتر ارزیابی کرد و چرا این خطا شده که نیروی امکانات بالفعل ما در لفظ کمونیستی و امکانات دشمن برابری می کند. این خطا برای مبارزه ما خطری کاملاً جدی و تهدید کننده است. اما علیرغم این برابری امکانات در لفظ، ما در برخورد استراتژی و تاکتیک صحیح، با جلب فزاینده حمایت کارگران و توده های وسیع زحمتکش و با کاربست دقیق فن و هنر مبارزه با پلیس سیاسی بی تردید موفق خواهیم شد. توطئه های دشمن را با شکست روبرو سازیم. برای سازمان ما این مبارزه موفق و پیروز است. با سواک رژیم باید قوا بین خاص مبارزه با پلیس سیاسی را بطور همه جانبه بکار گرفت. از سه پیوسته دربردهای ما با دشمن، رعایت و کاربست صحیح این قواست. تجربه همین چند سال اخیر نشان داد که در صورت رعایت پیگیری این قوانین شکست و ناکامی از آن دشمن خواهد بود.

در اینجا ما با توجه به نیازهای مخفی تشکیلات، نکاتی را مورد توجه و تاکید مجدد قرار می دهیم:

سیخ همگانی تمام تشکیلات در مبارزه علیه پلیس سیاسی

مبارزه با پلیس سیاسی وظیفه عمومی و مشترک کلیه اعضاء کارکنان و فعالین سازمان است. یکی از اصول اساسی مبارزه موفق علیه پلیس سیاسی خنثی کردن فعالیت های خودی این بخشیدن به این مبارزه است. هدف این است که در بین اعضاء و تشکیلات انقلابی جدا کنونی و امکانات سازمان از گزند توطئه های دشمن محفوظ بماند. بدون تردید حفظ کارکنان و رهبران، جدا از تلاش برای حفظ کلیه اعضاء و فعالین و امکانات تشکیلاتی، امری محال و غیر قابل تحقق است. هر قدر توطئه تشکیلاتی از نظر میزان معلومات و تجربه کارمندی ارگان درها فاصله داشته باشد، بهمان میزان امکان موفقیت دشمن در آسیب رساندن به تشکیلات و بیوزره کارها بیشتر می گردد. علیرغم رعایت کلیه اصول مخفی کاری رهبران کارکنان درها، چنانچه تلاش متولذانه و همه جانبه برای ارتقاء شناخت تجربه همگانی فعالین صورت گیرد، خطر همه جزی و خودخواهانه دشمن در منظور و ضروری است که از طریق آموزش پیگیر و همه جانبه نظری و علمی، تجارب و فنون مبارزه

با پلیس سیاسی و کنترل پیوسته کم و کیف کار است. این آموزشها، میزان معنویت سازمان مخفی را در قیاسی قربان و توطئه های دشمن پیوسته با لایبرد، افشا مداوم تا کنیکها و توطئه های جدید پلیسی، انتقال تجارب و معالومات جدید به کلیه سطوح سازمان مخفی با ید پیگیرانه و بدون وقفه دنبال شود. هر موفقیت و شکست کوچک، هر اطلاع از شگردها و شیوه های نوین دشمن، حتی با ید به آموزش بسزای کلیه اعضاء و فعالین سازمان مخفی تبدیل گشته است. در هر شرایطی (جز در موارد معدود و با هدف یا تک زدن به دشمن) می توان و باید روشهای عمل دشمن را بطرق مختلف نه تنها به گوش داده تشکیلاتی رساند، بلکه به جا معلن اعلام نمود، دانسته یا ناشناخته را قطب به خود این شیوه ها و توطئه ها محدود نمی کرده، بلکه معرفی و افشای عوامل مسئول مستقیم و غیر مستقیم ارگان های اطلاعاتی و جاسوسی پلیس سیاسی، را نیز شامل شود (عنا صری که بیشتر اساس فاکتها و اطلاعات غیر قابل بدید و کار ملامت مستقیم به ارگان های اطلاعاتی و جاسوسی هستند). در نتیجه این افشاگریها، تجارب تازه به جا معلن اعلام می شود، عوامل اطلاعاتی و عملیاتی پلیس سیاسی در جا معلن انگشت نما و رسوا می شوند. ارگان های امنیتی و جاسوسی در اجرای نقشه و توطئه های خود با مشکلات بسیار جدی مواجه می گردند و با لاف و اشرافیتی و کارایی آنها به میزان چشمگیری کاهش می یابد.

گسترش دادن روز افزون کار توده ای:

کار در میان کارگران و زحمتکشان و سازماندهی مبارزه آنان وظیفه بنیادین و حیاتی سازمان ما است. این وظیفه را باید با جدیت و دقت و با استفاده از ظرفیت های توده ای برای پیوسته متحرک شدن، در عین حال عامل بنیادینی برای حفظ سازمان مخفی و تعداد و فعالیت انقلابی آن است. اعضاء و فعالین سازمان مخفی همواره در پیوسته سواک سرنگامه و سیاست صحیح، پیگیرانه برای بسیج سازماندهی مبارزات توده ها، یعنی انجام وظیفه بنیادین خود میگویند، به موازات آن با ید همه امکانات توده ای، یعنی امکاناتی را که در نتیجه گسترش فعالیت و با ید توده ای سازمان ما فراهم می گردد، در پیوسته مبارزه سازمان، از جمله علیه پلیس سیاسی رژیم بکار گیرند.

در شرایط پیگرد وحشیانه پلیس و دیدگاه توری خشن، سازمان مخفی، تنها با برخورداری از این کمکها قادر به حفظ خود و زنده نگه داشتن پلیس سیاسی است. خطا است اگر تصور شود که سازمان مخفی می تواند بدون فعالیت مستقیم در میان توده ها، بدون گسترش دادن روز افزون پیوندهای عینی توده ای و صرفا به گسترش تبلیغات، از طریق بخش تراکت و اعلامیه و شمار نویسی و فعالیتهای مشابه تبلیغاتی خود را در زمینه بسیج سازماندهی توده ها انجام دهد. تبلیغات از طریق بخش تراکت و اعلامیه و شمار نویسی گسترش نمی دهد، بنیاد زواری است، ولی علاوه بر آن ضرورت مطلق دارد که سازمان مخفی با اختصاص نیروی انسانی کافی بطور مستقیم تا ید در میان کارگران و زحمتکشان مستقیم فعالیت کند و با شرکت فعال و موثر در مبارزه روزمره آنان و توضیح موانع و اهداف سازمان حمایت آنان را نسبت به سازمان جلب کند. اگر سازمان نهایی مخفی در این مسیر با سرعت و تحرک لازم و بیش از پیش جلو روند، هاله حفاظتی که شبکه روابط توده ای بدور سازمان نهایی مخفی پدید می آورد، گسترده تر می شود و روز بروز نیرومندتر و در برابر سواک رژیم که پیش از این مصمم به نابودی ماست بوجود می آید.

روابط توده ای وسیع به سازمان مخفی امکان می دهد نیروی مشترک ارگان های امنیتی را تجزیه کند و در مسیرهایی که انرژی و امکانات آنان را تلف می کند، منحرف نماید. فعالین می توانند خود را در میان توده مردم بگونه ای استوار کنند که هم فعالیت خود را گسترش دهند و هم از دسترس دشمن دور بمانند. وسیع و روابط توده ای امکان می دهد که سازمان مخفی در مقابل با یوزرهای پلیسی تحرک لازم را بدست آورد و ضربات وارده را به سرعت ترمیم نماید.

هر تشکیلات مخفی هر اندازه که قوی باشد، وقتی نتواند در انجام وظیفه بنیادین هیئتی خود موفق شود، یعنی نتواند خود را با شبکه گسترده ای از روابط توده ای پیوسته کند، در معرض ضربات شدید دشمن قرار می گیرد. فهم دیالکتیک این مساله، کلیه مرکزی درک نقش متقابل کار مبارزه توده ای در حفظ سازمان مخفی از یوزر دشمن است.

محدود و مسدود کردن کارکنان اطلاعاتی پلیس سیاسی تلاش بی وقفه و مداوم برای مسدود کردن تشکیلات کارکنان اطلاعاتی پلیس سیاسی یکی دیگر از اصول مهم مبارزه مخفی است. متغیر این اطلاعاتی است که

که ما بیش دارای جنبه سری و امنیتی برای سازمان مخفی نبوده و حفظ آنها امنیت سازمان انقلابی را به میزان وسیعی تضمین می کند. پلیس سیاسی برای اقدام سوزناک علیه سازمان مخفی نیاز به اطلاعات صحیح و گواهی از افراد، ارتباطات، امکانات و شیوه های عمل و فعالیت سازمان مخفی دارد، بدون این اطلاعات پلیس سیاسی قادر به اجرای نقشه های خود نیست.

پلیس امنیتی از طریق شبکه وسیع عمیق و خبرچینان خود، از طریق عوامل نفوذی، تعقیب و مراقبت افراد شنا سایی شده یا مظنون به فعالیت انقلابی، کنترل مکاتبات و مکالمات، گشتن اطلاعات از درون زندانها، جستجوی گسترده افراد شناخته شده مبارز توسط شبکه موری و "توابین" کنترل و شناسایی ساکنین جدید محلات، غلبه بر جدیدان از راه و کارخانجات و شرکتها، کنترل حرکات "مشکوک" از طریق سیستم گشت های متنوع شهری و جاه ها، پیش پایت گوناگون و بررسی و ارزیابی نظرو عکس العمل سازمان مخفی در مقابل این شیوه ها، مطالعه دقیق و روشنگاری و روشنگاری و اوراق تبلیغاتی سازمان مخفی، همکاری اطلاعاتی با سازمان های جاسوسی و اطلاعاتی کشورهای ارتجاعی دیگر، اطلاعاتی مورد نیاز خود را در سازمان نهایی مخفی از طریق جمل آوری می کند. برای مسدود کردن کلیه این کارها، با ید با مطالعه و شناخت دقیق روشها، تکنیک عمل و امکاناتی که پلیس سیاسی در هر یک از مسوارد فوق بکار می گیرد، مطالعه و جمع بست تجربیات کارمندی سازمان نهایی مخفی انقلابی، سطح پلیسی و بین المللی، سیستم کارمل و اطمینان بخشی از اقدامات آموزشی و تدارکات سازمانی و مسدود اطلاعاتی را بطور بی وقفه و پیوسته در عرصه های مختلف حیات و فعالیت سازمان مخفی جستجو می ساخت.

اصل سریت یکی از اصول پایه ای فعالیت سازمانی در شرایط اختناق و پیگرد پلیس است. رعایت همه جا بنیادین اصل مطلق ضروری است. رعایت این اصل به معنی اعمال و ایجاد انضباط نیرومند نظری در کاربست مجموعه نسبتا کاملی از اقدامات و مؤثره های اطلاعاتی برای مقابله با بسیاری از فعالیت های دشمن است. مقابله مؤثر با تشکیلات دشمن، برقراری کلیه ارتباطات و تماسهای سازمانی به شکل کارمندی و دروازش پلیس سیاسی، تقسیم صحیح اطلاعات در سطوح تشکیلات، حفظ صحیح اسناد سری و مکتوب سازمانی، آشنایی کامل با تجارب با ید زواری در زندان، نشان نکردن اسرار سازمانی در شرایط سخت و دشوار، انضباط صحیح با محیط کار روزگاری، تامین پوشش و توجه کامل با طبیعت برای کلیه فعالیت های تدارکاتی و تماسهای سازمانی و استفاده صحیح از امکانات مخفی و عملی مهمترین قوانین است که با ید رعایت می شود.

برای تکمیل سیستم فدا اطلاعاتی ضروری است که رهبری سازمان مخفی در هر لحظه معین ارزیابی واقع بنیادین از کم و کیف اطلاعات پلیس سیاسی از سازمان داشته باشد. محدوده اطلاعات دستگیر شدگان، محدوده احتمالی رد پلیس، نوع اطلاعات مطروحه در تارنگارها و مکاتباتی که بر اساس ضوابط تعیین شده از سوی رهبری مرکزی انجام گرفته است، اطلاعات موجود در تارنگارها، سربده، دبیر رسیده و یا با زنده توسط پلیس، اطلاعات پلیس سیاسی در سیستم و شیوه تماسها و ارتباطات سازمان مخفی و... همگی باید جدا جدا لایحان برای رهبری سازمان مخفی قابل ارزیابی باشد. تا بتوانند تدارکات و اقدامات را برای گسترش رشته اطلاعات پلیس سیاسی مسدود کردن راههایی که گسترش اطلاعات پلیس و در نتیجه سرکشیست تارنگارها، بعمل آورد.

کسب اطلاعات از درون ارگان های جاسوسی رژیم:

کسب اطلاعات از دشمن برای تحلیل صحیح رویدادها، اتخاذ تاکتیک درست، مقابله همه جانبه با رژیم و... برای سازمان مخفی یک امر حیاتی است. همانطور که ارگان های اطلاعاتی و جاسوسی رژیم تلاش می کنند سازمان نهایی انقلابی اطلاعات دقیق گردآوری کنند، همانطور هم سیستمی دارند ما نیز از درون اطلاعات حساس و سری از درون دستگاه های گوناگون حکومتی به بیرون گردانند، از سایر سازمان مخفی انقلابی، وظیفه دارد، نیروهای خود، هواداران و اعضاء خود را به درون و بیرون ارگان های مهم تصمیم گیری و اجرایی مرکزی، منطقه ای و محلی رژیم، از بالاترین تا پایین ترین سطح آن نفوذ دهد، این نفوذ بطور عموم بر سه طریق شغلی، فامیلی، دوستی و هواداران و اعضاء کارکنان با اعضاء، مستنبولان و کارکنان ارگان های دولتی صورت می گیرد. کسب اخبار و اطلاعات صحیح سیاسی، اقتصادی، نظامی

تبدیل سپاه ارتجاع به ارتش

محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران ارتجاع، طی آخرین حکم خمینی در تاریخ ۲۶ شهریورماه ۶۲ به مورثان هرجه سریع تسپاه پاسداران را "جهیز مانیروهای زمینی، هوایی و دریایی قوی کند". مطابق این حکم، سپاه پاسداران به سطح یک ارتش کامل در کنار ارتش موجود رژیم ارتقاء می‌یابد. تبدیل سپاه به یک نیروی ارتجاعی آن است که وظایف یکی از اهداف دیرینه رژیم ولایت فقیه بوده است. رژیم طی سالهای اخیر، مذاوما در تقویت سپاه کوشیده و خمینی خودباورها را از این ارگان حمایت بدون قید و شرط کرده است. سپاه پاسداران از یک نظرسیمه یک حزب سراپا مسلح است که در اختیار ولایت فقیه قرار دارد و وسیله تحقق هدفهای ضد مردمی و بیگانه‌سازی ارتجاعی آن است. اصول و ضوابط ناظر بر تشکیل سپاه پاسداران ارتجاع با ارتش متفاوت است. افراد سپاه همه پس از آزمونهای ایدئولوژیک و سیاسی و بعد از بررسی‌های متجسسانه و معمولاً با ضمانت "معتبر" دست‌چین میشوند. این امر سبب میشود که سپاه ارتجاع هرجه بیشتر به یک حزب مسلح شبیه باشد. اقدام اخیر خمینی آشکارا بیانگر بی‌اعتمادی

سازمان رژیم نسبت به ارتش است. ارتش بجای آنکه از رژیم شاه، علیرغم کنترل و مراقبت دائمی و ایجاد دواثر ایدئولوژیک، سیاسی و بسیجی سازی تمهیدات دیدگر، همچوگه مورد اعتماد و اطمینان سازمان رژیم قرار نگرفته است. ارتش با توجه به ساختار و سیستم آموزشی و سازماندهی آن اصولاً مورد اعتماد ولایت فقیه نیست. ولایت فقیه به ارتش خاص خود برای سرکوب خلق و تاجا و زگری نیازمند است. ارتش موجود در وضعیت دلخواه سازمان رژیم قرار ندارد. شبکه کمیته‌ها نمونه دیگری از ارگان‌های سرکوب خاص ولایت فقیه است. این ارگان تاکنون جرایم بسیاری در سرکوب، ترور و شکنجه انقلابیون، پرونده‌های و کشتارهای زمین مرتکب شده است. شبکه کمیته‌ها در واقع بشما به شهرتانی رژیم ولایت فقیه عمل می‌کنند که جدا از شهرتانی سیاسی موجود به حنا به سرکوب سازمانهای انقلابی و نیروهای مترقی مشغول است. رژیم جمهوری اسلامی ساواک خاص خود را از طریق یکا رگری سازمان‌نگارانی چون فردوست و به خدمت گرفتن مدها ساواکی کارگرفته رژیم شاه و بهیروزه با گسترش وسیع تحارب ساواک در کشتار انقلابیون و زندانیان سیاسی ایجاد کرد. تلاش وسیع سازمان رژیم برای ایجاد یک نیروی قوی سرکوب و تاجا و زخاص ولایت فقیه با توجه به وجود تضادها و اختلافات جدی ارتش و سپاه، نگرانی وسیع فرماندهان ارتش را برانگیخته است. زیرا که

فرمان تبدیل سپاه پاسداران به ارتش، مستقیماً موجودیت ارتش رژیم را به زیر سوال می‌برد. اعلام صریح بی‌اعتمادی به ارتش برای رهبران رژیم که همیشان خواهان ادامه جنگ ارتجاعی ایران و عراق هستند، خالی از ملاحظه و درده‌سرنیست. به همین علت سازمان رژیم بلافاصله به دلداران ارتش مشغول شدند. رفسنجانی در زمان زحمت ۱۹ مهر ماه برای دلجویی گفت: "ارتش ما از با وفا ترین ارتشها در جهان است و اعتماد ما به این ارتش بعنوان پشتوانه انقلاب اسلامی هر روز بیشتر می‌شود". بدیهی است که سازمان رژیم با این حرفهای سرگرم کننده هیچگاه نخواهند توانست ارتضا دفزاینده ارتش و سپاه جلوگیری کنند. سپاه پاسداران بعنوان نیروی اصلی سرکوب و تاجا و ولایت فقیه، همراه با شبکه کمیته‌های انقلاب اسلامی ساواک رژیم، طی سالهای اخیر با سرکوب و خشنی و نیروهای انقلابی، سرکوب اعتصابات کارگری و دیگر اعتراضات و نظاهرات توده‌های مردم کارنامهای بس سنگین و سپاه از خود بجای گذاشته است. این ارگان که با اصول و ضوابط خاص ایدئولوژیک، سیاسی روحانیون حاکم و بسا تربیت شدت دکمونیستی و ضد انقلابی سازماندهی شده است. در مقابل با مردم به تمام معنی یک نهاد تبهکار است. تبدیل این ارگان به یک ارتش کامل اکنون بطور کامل در خدمت اعمال تاجا و زگرانه رژیم بوده و سراپا بز مصالح و منافع مردم ماست.

شناخت مداوم تاکتیکیا و روشهای متنوع پلیس سیاسی:

هدف از این شناخت، تغییر و تکامل خلقا نشه روشها و وسک کار سازمان مخفی بمنظور پیش گرفتن و غلبه بر روند تغییر و تکامل اشکال و روشهای پلیس سیاسی است. بدون رعایت این اصل زمینه برای وارد آمدن ضربه به سازمان مخفی فراهم می‌شود. علاوه بر این، تشخیص اهمیت و وزن هر یک از تاکتیکیا یا پلیس دارای اهمیت ویژه است. در بر توشناخت تاکتیکیا عمده دشمن و روش و تکنیکهای اجرای این تاکتیکیا می‌شود تا بدین ضرورت برای خشی کردن آنها تدارک دیده، عدم تشخیص تاکتیکیا عمده دشمن همیشه با دودا منته فرات را بطور جدی گسترش می‌دهد. اکنون در شرایط کشور ما، در میان مجموعه تاکتیکیا یا پلیس، تعقیب و مراقبت، نفوذ و شکنجه و خشنی به میا زمین انقلابی برای درهم شکستن آنان شیوه‌های عمده پلیس سیاسی برای جمع‌آوری اطلاعات از سازمانهای انقلابی است. آموزش نظری و عملی سیستم‌های تعقیب و مراقبت پلیس و راههای بقا بله با آن، همچنان در دستور روز قرار دارد. مقابله با نفوذ ما و آن و شکسته شدن و مرتدن به صفوف سازمان مخفی و افسا افراد و حاکم مسلظا هر ا هودا سازمان مخفی و انقلابی که با هدف شناسایی مبارزین و نفوذ به درون شبکه‌های سازمانهای انقلابی فعالیت می‌کنند، از اهمیت اساسی برخوردار است. برخورداری رژیم از مشاورت برخی از کاردهای سر تاجا و زخشی انقلابی کلیه کار ملاقاتی محسوب می‌گردد. آموزش وسیع کلیه هوداران، اعضاء و کاردهای سازمان با تحارب دستگیری و بازجویی در زندان آشکار کردن آنها با تاکتیکیا پلیس در زندان و شرایط واقعی زندانها، تلاش مداوم برای دامن زدن به نفرت و کینه مقدس اعضاء و توده سازمان نسبت به مرتجعین حاکم بر کشور، و ارتقاء مداوم شور انقلابی و روحیه مبارزاتی آنها. رعایت دقیق اصل "داشتن حداقل اطلاعات" وسیله موثر خشی کردن سلاح

در سالهای اخیر، تحرك به موقع و بالای آن بوده است. بسیاری از مسئولان و کاردهای سازمان زیاد گرفتند که چگونه شتاب این تحرك را زمانی که تحت نیکر هدایت قرار داشتند، حفظ کنند و مسئولیتها و وظایف خطیر خود را در این شرایط دشوار ریلیسی به انجام رسانند.

ابتکار و خلاقیت فعالین:

هیچ دستور العمل ابتیعی نمی‌تواند بر اساس محاسبه تمام عناصر عوامل عینی مبارزه که در هر لحظه معین در برابر سازمان مخفی قرار دارد، تنظیم شود. همه دستور العملها در تحلیل نهایی بیان فشرده تاجا و زخشی است. به همین جهت نمی‌تواند تاجا و زخشی تدارک و تصمیمات و اقدامات خلاقانه و مبتکرانه فعلیاتی که با شرایط زنده و واقعی سرکار دارند، بشود. الگو برداری و برخورد کتبی با تاجا و زخشی و روشهای مبارزه با پلیس سیاسی نقش غرضی بوده و حتی در برخی موارد به ضد خود تبدیل می‌گردد. ارگانهای پلیسی و جاسوسی دشمن بطور دائم روشهای عمل سازمان مخفی را در عرصه‌های گوناگون مورد مطالعه و بررسی موشکافانه تدریجی دهند و بتدریج بر آنها مسلط و تسلط می‌شوند و با تمرکز نیروی عمده خود در ضعیف ترین حلقه، ضربه را وارد می‌سازند. به همین خاطر توجیه و تغییر مبتکرانه اشکال و روشهای کار مخفی و مخفی کاری در زمان زمینه‌ها ضرورت دارد. در عرصه‌های مقابله با نفوذ، تعقیب و مراقبت، و تنظیم تماسها و ارتباطات سازماندهی و تکنیکات، در اتخاذ تصمیمات مهم در مراحل حساس... از تکرار و اصرار روی اشکال کار که برای پلیس شناخته شده است باید جدا برهیز شود. هر شیوه‌کاری که لومی رود و سازمان مخفی آن مطلع می‌گردد، باید در کلیه سطوح سازمان مخفی ترک شده و وسک کار جدیدی جایگزین آن شود. باید بشی ز پیش ابتکار و خلاقیت فعالین سازمان مخفی در کشف روشهای نو افزایش و ارتقاء با بد.

تجزیه و تحلیل دائمی علل فریات:

برای پیدا کردن حلقه‌های ضعیف امنیت سازمان مخفی، باید بطور مداوم راجع به علل مواردمشکوک از قبیل تعقیبها، شواهدی که دال بر نفوذ پلیس است، شایعات و اخباری اساسی که در سطح سازمان مخفی رواج می‌یابد، ضربات دستگیری‌های ظاهراً تصادفی و... تحقیق دائم و موشکافانه‌ای صورت گیرد. اطلاعات ناقص باید مداوم تکمیل و بسبب مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. مواردی که امکان تحقیق آن فضا وجود ندارد، باید پیشتر شده و طی مدت‌های حتی طولانی برای کشف علل آنها بی‌جوبی شود. بر اساس نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل اخبار و اطلاعات موثق و مسلم، باید کلیه اقدامات و تدارکات مقتضی برای رفع تقصیر امنیتی سازمان مخفی، تقویت طبقه‌های ضعیف و مسدود کردن به موقع کارهای احتمالی ضربه تدارک شوند. باید هوشیار بود که شایعات و اخبار درکن ساخته در مورد علل مواردمشکوک و فریات، از اخبار واقعی تشکیک گردد. در برابر این ضرورت طبق تحارب بشما و تجزیه و تحلیل غیرنقادانه این مجموعه اطلاعات واقعی و غیر واقعی، کنکلی به حفظ امنیت سازمان نگردد و سد راه ضربات بعدی پلیس نخواهد شد.

امنیتی و برنامهریزی همه‌جانبه و حساب شده و سرما به گذاری برای گسترش امکانات اطلاع‌گیری، با استفاده از امکانات موجود با دید عمیق به یکی از مهمترین عرصه‌های فعالیت مبارزاتی سازمان مخفی تلقی گردد.

تجربه احزاب انقلابی نشان می‌دهد که موثرترین اقدام پیشگرایانه در برابر نفوذ سرکوب گسترده و با موضعی، مقابله موثر با نفوذ جاسوسان دشمن به درون سازمان مخفی، شناسایی دقیق تاکتیکیا و تکنیکهای مورد استفاده پلیس سیاسی و در مقابل مقابله آنها و در یک کلام، محافظت از سازمان در کروز حضور مخفی هوداران و اعضاء سازمان در جوار با درون مراکز تصمیم‌گیری سیاسی و امنیتی دشمن و ارگانهای اجرایی و ضربتی پلیس سیاسی می‌باشد.

کاردهای رهبری سازمان مخفی باید در پاسبخ به ضرورت حاتی تا مین حداکثر امنیت سازمان مخفی، تمام ابتکار، خلاقیت و امکانات موجود را برای کسب اطلاعات دقیق و صحیح از مراکز حساس و حیاتی دشمن بکار آورند و بدون تمایل به نزدیک بسا رهبری مرکزی سازمان بر تاجا و زخشی دقیق و حساب شده‌ای برای حصول موفقیت در این امر مطرح و اجرا کنند.

حفظ و ارتقاء مداوم هوشیاری انقلابی

سازمان مخفی باید به کلیه پدیده‌ها و رویدادهای مشکوک محیط فعالیت خود، به اخبار هر ا کسب اهمیت فعلی، هرگونه تغییر و وضع کشتیهای مخفی و علنی دشمن به دستگیری و تعقیب، دید و باز دیدهای مقامات امنیتی، وضع جنبش توده‌ای و تغییرات آن کار ملا حساس بوده و اعضاء خود را بسا این روحیه پرورش دهند. این حساسیت قطعاً باید مبتنی بر واقعیت‌ها و بی‌نی‌توانی یا خونریزی باشد. هواره رزقایی‌های شتابزده و ذهنی به‌زیمان سازمان مخفی تمام می‌شود. رهبری سازمان مخفی باید با خونریزی و با خشی کردن فشار روانی دشمن که همیشه با بزرگنمایی قدرت و دامنه اطلاعات خویش آنرا اعمال می‌کند، امکانات، رویدادها و اخبار را واقعیت‌ها و تحلیلی کند و تصمیمات مناسب اتخاذ نماید. در اتخاذ تصمیمات و اجرای آنها باید از هرگونه برخورد خوسبیتا نشه یا جان نظها را نه برهیز شود. عدم اعتماد به هر آنچه که امکان آلودگی آن می‌رود، و نشان دادن تحارب به موقع، باید بیندوان یک رهشودا اساسی عمل پذیرفته و اجرا شود.

داشتن نقشه عمل برای زمانه که سازمان مخفی آنجا را است بعلت بیورش دشمن یا قریب الوقوع بودن آن عقب نشینی‌هایی بکند، تحرك سازمان مخفی را در مقابل دشمن بسپار باید، بر این اساس تحرك به موقع و مناسب سبب می‌شود که امکانات و نیروها هرجه بیشتر حفظ شوند و سازمان مخفی در حداقل زمان ممکن نیروی خود را برای تعرض مجدد آماده کند. سازمان مخفی در صورت حفظ و ارتقاء مداوم هوشیاری خود و فرا می کردن دایمی امکانات تحرك لازم و به موقع، می‌تواند مسدود باشد که ابتکار عمل در عرصه‌های متفاوت نباشد و گزینش میدان نبرد را در دست خود نگذارد. یکی از دلایل موفقیت سازمان ما در حفظ نیروهای خود از تعرض ارگانهای امنیتی دشمن

در پاسبان باید بگوییم که علاوه بر نکاتسی که در اینجا بررسی شده، اصول دیگری که رعایت آنها در شرایط حاضر دارای اهمیت است وجود دارند. از آن جمله است منحرف کردن ذهن دشمن از طریق مانورهای فریبنده، تزریق اطلاعات غلط به ارگانهای امنیتی رژیم، ذخیره سازی نیرو و امکانات... توجه دقیق به کلیه مطالب گفته شده و کوشش برای آموزش و تفهیم همه جانبه آنها در کلیه سطوح سازمانهای مخفی، و مهمتر از همه اعمال کنترل و نظارت شدید و دقیق بر کم و کیف رعایت این آموزشها و وظیفه روز رهبری گروههای مخفی سازمان ماست. لازمه موفقیت هرجه بیشتر سازمان ما در مبارزه با ساواک خمینی این است که کلیه اعضاء و کاردهای گروههای مخفی سازمان، این آموزشها را بطور همه‌جانبه و خلاقانه در فعالیت سازمانی خود بکار ببرند. رفقای ما باید اطمینان داشته باشند که در بر توشناخت آنها و روشهای والایمان، با یکبار پیگیری و کارانه، پیشاپیش کارگران و رنجبران میهنان، با سپاریداری دلپزانه در برابر دشمنان دشمن و با هوشیاری و کار بست دقیق اصول مبارزه در شرایط مخفی، توطئه‌های دشمن را یکایک خشی می‌کنیم و راه نابودی رژیم جمهوری اسلامی را می‌گشاییم.

پیرامون کار سازمانگرا نه در میان کارگران و زحمتکشان

رژیم ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی استبداد بی سابقه ای را بر کشور حاکم کرده است. این رژیم تشکیلاتی صنفی - سیاسی کارگران و زحمتکشان را بطور عمده درهم شکسته و منحل نموده است.

رژیم فاشیست امکان فعالیت علنی - قانونی را از کلیه احزاب و سازمانها و گروههای انقلابی سلب کرده، بلکه آنها را تحت شدیدترین پیگردها قرار داده است.

سیاست نفاق ارتجاعی رژیم، که همه عرصه های زندگی اجتماع را شامل می شود، موجب نارضایتی عمومی مردم گشته است. نارضایتی مردم از حکومت مدتهاست که به اشکال گوناگون اعتراضی بروز کرده و هرگز نمی جنبه خا دتری بخود می گیرد.

مردم خواهان پیداکردن راه مناسب برای غلبه بر این وضعیت نکتت بار هستند. مردم با چشم باز به صحنه پیکار خودبا رژیم می نگرند و بیش از گذشته تلاش و فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی را نظاره می کنند. این وضعیت زمینه را برای گسترش کسار سیاسی و سازمانگرا نه در میان توده های زحمتکش بنی از هر زمان دیگری فراهم کرده است.

در چنین شرایطی آن حزب و سازمان سیاسی موفق خواهد شد، رهبری جنبش انقلابی مسترد را بدست گیرد که قادر شود شعارهای خود را به میان مردم ببرد و آنان را حول این شعارها متحد کند و سازماندهی کند.

مردم دارای روند بسیار پیچیده ای است. علمسی و انقلابی بودن شعارهای ما به تنهایی نمی تواند ملاکی برای پذیرش آنان را از جانب مردم باشد. تجربه تمام انقلابیون جهان و تجربه مشخص سازمان خودمان حاکی از این است که علاوه بر دامن بستن برنامم و خط مشی انقلابی، باید کار دریا شیم توده های کارگران و زحمتکشان را به سمت شعارها بیاوریم. قانع کنیم، رویتد قناع توده های مردم روندهی است عینی و طولانی و تنها در صورتی به موفقیت می انجامد که بر بنیسترتوجه خود مردم بیفروزد.

برای تامین این امر وجود رابطه ای بسیار نزدیک بین پیشرو مردم و زحمتکش حتمی و لازمی است. این امری است دو جانبه یعنی تاثیرگذاری بر کارگران و زحمتکشان ضرورتا با پدیدتاثیرپذیری از جانب و خصوصیات سازمانی و انقلابی آنان همراه باشد. اگرچه گسترش رابطه بین پیشرو و توده زحمتکشان بطور عمده محتاج وجود شرایطی است دیگر. این شرایط سیاسی در جامعه است، ولی تحقق این امر در شرایط دیگر، از جمله در شرایطی که توده مردم دارای روحیه اعتراضی هستند، و در شرایط رشد و گسترش و آوج گیری مبارزات مردم امکان پذیر است.

پیدایی کار انقلابیون کمونیست در شرایط دیگر تا توری شده و فقدان در این است که از یک طرف برای ادمه کاری نیاز به رعایت حدا کثر منحنی کاری است و از طرف دیگر ادمه کاری انقلابی بطور اساسی در گرو جلب و جذب هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان آگاه و مینا رزبه تشکیلات کمونیستی و جلب اعتماد توده زحمتکش از طریق آگاه کردن و متشکل کردن آنان است.

شماره حل این مساله پیچیده، تلفیق درست کار علمی و مخفی و گسترش کار آگاه گرانه و سازمانگرا نه است. کار سازمانگرا نه مستقیم در میان توده ها، یک وظیفه بنیادین و همیشگی است.

امروزه سازمانها از طریق بخش نشریسات و اعلامیه ها و تراکت ها و گسترش تبلیغات شفاهنسی تا شیرات مهمی بر جنبش انقلابی مردم گذاشته است. ولی سازمانی قادر هستیم اثری همه جا نیتر عمیق و تریجاری گذاریم که این تبلیغات گسترده را با کار سازمانگرا نه مستقیم در میان توده ها همراه کنیم.

بیشرفت کار مستقیم آگاه گرانه و سازمانگرا نه در میان کارگران و زحمتکشان (کار توده ای)، منوط است به آشنایی و بکارگیری دقیق متد علمی در این امر. در همین رابطه ضروری است که به تجارب اندوخته سازمان در زمینه کار توده ای توجه جدی شود.

این امر احتیاج به تجربه و مهارت دارد. در همین رابطه نئین درجه باید کرد می گوید: "آزمودگی انقلابی و مهارت سازمانگری خصال اکتسابی هستند، فقط کافی است که انسان بخواد تحصیل لازم را در خود بیورود. فقط کافی است که انسان از آگاهی به چونگی کمبودهای خویش که در کار انقلابی هستند، رفع بیش از نیمی از آنهاست برخوردار باشد."

متشکل و توده ای

کار توده ای دارای اشکال گوناگونی است. چونگی کار توده ای تابع عوامل مختلف از جمله تابع شرایط سیاسی جامعه، موقعیت حزب طبقه کارگر در میان کارگران و زحمتکشان، روحیات و ویژگیهای فرهنگی مردم، درجه نفوذ پدئولوژیهای غیر پرولتری در میان آنها و عوامل متعدد دیگر است. هدف از کار توده ای، بردن آگاهی انقلابی و وسوسا لیستی به میان کارگران و زحمتکشان و جلب و جذب آنان به سوی سازمان و کمک به ایجاد تشکیلاتی صنفی - طبقاتی مستقل آنان است.

شرط اصلی موفقیت کمونیستها در کار توده ای کسب اعتماد توده ها در سطح جامعه و در محیط کار و زندگی آنهاست. عمده ترین راه کسب اعتماد مردم دفاع پیگیر، مداومتان و ایثار کارگران از آمانها و خواسته های آنان است. در کارهای امر راهنمای هر یک از فعالیتها ما در پروسه مشخص کار توده ای است. زمانی که کارگران و زحمتکشان در محل کار روزگنی خود رفتاری نازدیک و دلسوز به خود و توانا در حل مشکلاتشان تشخیص دهند، گام مقدم و اساسی برداشته می شود.

تجربه اثبات کرده است که زحمتکشان و کسای را بعنوان نما ینده و سخنگوی خود می پذیرند که بیشترین اعتماد و اطمینان را به او داشته باشند. باید توجه داشت که عوامل خرابکار و اعتماد شکن و ماحیان سرمایه به نوبه خود تلاش می کنند که به اشکال مختلف اعتماد توده مردم را جلب نمایند تا مبارزات آنان را به انحراف و شکست بکشانند.

اینکه اعتماد دجگونه بدست می آید به عوامل بسیار زیادی بستگی دارد. از جمله به رزمندگی و هنر و تجربه رهبران کمونیست مربوط است. در محیط های کار و عمارت و ادارات، عناصری که سر در عرصه کار خود ما را، با تجربه و موفق اند، کماتنی که دارای صراحت و شجاعت لازم اند، کسانی که دارای خصوصیات انسانی دوستانه اند و به سبب و مشکلات همکاران خود و توده خود توجه بیشتری دارند و دلگوزانه برای حل آن می کوشند از امکان موفقیت زیادتری برخوردارند.

داشتن اعتماد به نفس در گفتار و در کردار و مقاومت در برابر انواع شدا توهینتی ها و مشکلات در جری کار و مبارزه، رونجلب اعتماد توده ها را تریج می کند.

در محیط های زندگی نیز کماتنی بیشتر بسن موفقیت را در ارجلب اعتماد زحمتکشان دارند که از طرق مختلف به حل مسایل و مشکلات آنان یساری می رسانند.

در یک کلام کمونیستها هدی جز خدمت به کارگران و رنجبران ندارند و همین شالوده اعتماد و تقابل مردم و آنان است و بر همین شالوده هر کمونیستی می تواند و باید اعتماد توده ها را جلب کند. رشتنه اعتماد مردم به هر یک از فعالیتها کمونیست رشتنه ای است که به سازمان او گره می خورد، و در خدمت گسترش آگاهی انقلابی پرولتاریایی و ایجاد جنبه های تشکیلاتی صنفی - طبقاتی زحمتکشان و جلب و جذب بیشتر و نشان به تشکیلات کمونیستی است.

شرکت در تشکیلاتی موجود

در صورتی که در محیط کار و یا زندگی تشکیلاتی صنفی توده ای وجود داشته باشد، ضرورت قطعسی دارد که فعالین سازمان به اشکال مختلف در این تشکیلات وارد شوند.

هرگاه بهر دلیل امکان ورود به این تشکیلاتا در شرایط مشخصی برای ما ممکن نباشد باید دیگر راه های تاثیرگذاری بر آنها را پیدا کرد. در صورتی که سیاست حاکم بر تشکیلات موجود، سیاستی است که برای ما مناسب است، باید هدف فعالیتها کمونیست از شرکت در این تشکیلات را این است که از طریق اتمام سیاستها و عوامل ارتجاعی آنها و تلاش برای دگرگون کردن سمت و سوی این تشکیلاتا و سیردن رهبری آن به نیروهای مردمی، جنبین تشکیلاتی را دگرگون کنند.

باید توجه داشت که ما ناچاریم تحت همسان شرایط و با همان ابزاری که در دسترس هست کار را آغاز کنیم. جزا این طریق ایجاد تشکیلاتی مستقل و فراگیر و برتاسری تنها بصورت حرف با قیسی خواهد آمد. علاوه بر این، کار در اینگونه تشکیلات فعالین کارگری و توده ای سازمان را از جنبه های گوناگون آزموده می سازد و تجارب فراوانی را در زمینه تلفیق کار علمی و مخفی و نحوه برخورد با توده ها و هدایت و متشکل کردن آنها در اختیار فعالین کمونیست قرار می دهد.

هیچگاه نباید زیاد در بده که هر تشکل کوچک به هر اندازه هم که دایره عملش محدود باشد

در این شرایط که زمینه اعتراضی در میان کارگران و زحمتکشان روبه گسترش است، می تواند منشأ تشکیلاتی بزرگتر و موثرتری گردد.

فعالین فدایی باید توجه داشته باشند که برخورد در قیقا نه و انقلابی و دلسوزانه با فعالین سندیکایی و بانما پندگان سابقه دار و مورد اعتماد توده کارگران استفاده از تجارب مفید انسان تلاش در جهت ارتقا آگاهی انقلابی و وسوسا لیستی آنان و جلب و جذب شان به سازمان یکسانی از مهم ترین وظایف کار توده ای است.

نباید فراموش کرد که در اکثر موارد جلب و جذب این عناصر پیشرو به معنی پیداکردن با یگانه وسیع در میان کارگران و زحمتکشان آن محل است.

ایجاد متشکل

هرگاه در محیط کار و فعالیت تشکیلاتی توده ای وجود نداشته باشد یا تشنه هدف فعلی سازمان با بداین باشد که تشکل خود را متوجه ایجاد تشکل نماید. کار بنیادی در راه ایجاد تشکل های توده ای همانا جلب حمایت مادی و معنوی کارگران و زحمتکشان آن محیط به ضرورت ایجاد تشکل و تریج و بسنج آنان در جهت مبارزه در این راه است.

مهم ترین سدر این راه مواج قانونی و غیر قانونی است که رژیم متوجه حامی سرمایه داران و مالکان در سدر راه ایجاد تشکیلاتی بچسود می آورد. حربه مقابله با آن تعمیق و گسترش مبارزه متحد کارگران و زحمتکشان در راه ایجاد تشکل است. در عین حال باید در هر شرایط مشخص بر اساس ارزیابی صحن درخواستهای کارگران و زحمتکشان و میزان آمادگی شان برای مبارزه در هر واحد تولیدی و یا محیط زندگی اشکال معینی از تشکل را در دستور قرار داد. این مبارزه ضرورتا از مراحل و فوایز مختلفی می گذرد.

از جمله نکات بسیار مهم در این رابطه آن است که در اغلب موارد راه ایجاد تشکل صنفی - طبقاتی فراگیر از کمال ایجاد تشکیلاتی با دایره عمل محدود تریج گذرد (مثلا ایجاد تشکل میسکن، بسا تشکل صرف) در شرایط کنونی، یکی از عمده ترین طرق ایجاد تشکیلاتی تشکیلاتی کارگری در واحدهای تولیدی، انتخاب نماینده با هیات نمایندگی و بسط دامنه فعالیت آنهاست. و نیز ایجاد تشکلها و تشکلها و برقراری ارتباط بین تشکلها و هرواحد تولیدی و واحدهای تولیدی دیگر از زمینه عینی خود ادمه سیاسی برخوردار است. از انواع تشکیلاتی روزنی و هنری و... می توان به امر گسترش دامنه فعالیت تبلیغی، سیاسی ما در میان کارگران و زحمتکشان و ایجاد دفاتر مناسب برای تشکیلاتی عالی تریج راه جست.

در زمینه حرکت های توده ای عمده تریجسن مساله ارزیابی صحیح اوضاع آگاهی و بیداری آمادگی کارگران و زحمتکشان و انتخاب شعارهای مناسب است.

در هر مرحله باید اهداف و شعارهای را در دست قرار داد. اگر انکاه جلب و بسج ترین نیروها را داشته باشد، تشکلها که باید در این رابطه مورد توجه جدی قرار گیرد. آن است که قبل از شروع هر حرکت سیاسی و یا صنفی تا آنجا که ممکن است به اشکال مختلف سیاست و شعارهای ما به زبان ساده برای کارگران و زحمتکشان تریج شده و با استفاده از روشهای مناسب آنان را تهییج کنیم. قبل از شروع حرکت باید حدود و مرزهای پیشروی و عقب نشینی را مشخص نمود و در تمام طول حرکت لازم است که امر تبلیغ و تریج شعارهایی که حرکت جدول آن صورت می گیرد همچنان ادامه یابد. بعضی اوقات ضرورت می یابد که پیشرو در جریان حرکت برخی خواسته ها و شعارها را بسته به وضعیت حرکت تغییر دهد. در جریان حرکت، پیشرو باید از هر مای مختلف، جهت تدوین شعار خود با توده کارگران و زحمتکشان برخورد را با شده آنها را در عرصه های گوناگون مبارزه سازمان دهد. متوجه روحیه آنان باشد و حرفها و توصیه های آنان را دقیقاً گوش دهد و به پیشنهادهای مثبت و سازنده آنان عملا توجه نموده، با روحیه های منفی شان مبارزه منطقی نماید.

پیشرو باید حرکت خود را نگینخته را از نظرهای - ترین شکل آن تشفیص داده و دنبال نماید. لازم است این امر داشتن شماس عمیق و مستمرا توده زحمتکش است.

انتخاب شکل و شیوه مناسب برای دستیابی به خواسته های صنفی سیاسی و صنفی امر بسیار مهم و تعیین کننده ای است.

ماناچاریم به پیدمبنای انتخاب شکل و شیوه حرکت را بر اساس درجه آمادگی کارگران و زحمتکشان و ارزیابی صحیح از نیرو و توانا تشکل های دشمنین طبقاتی ما بنا کنیم.

افراشته باد پرچم رزم کارگران!

رویدادهای جهان

اتحاد شوروی:

با همه توان، برای صلح

میخائیل گنبارباچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی، به دعوت فرانسوا میتران در مساه گذشته از فرانسه دیدار کرد. این دیدار به جهت وضوح بحران بین جهان و مسائل پیچیده اروپا و به لحاظ مسائل مطرحه در مذاکرات از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

میخائیل گنبارباچف، قبل از مصافحت با خبرنگاران تلویزیونی، مواضع اتحاد شوروی را پیرامون مسائل مختلف تشریح کرد. وی در مورد اوضاع بحرانی جهان گفت: " آنچه امروز در جهان روی می دهد، چندان خشنودکننده نیست. تشنجات اوضاع بین المللی افزایش می یابد. خطرناک جمع موشکی هسته ای گاش نمی یابد. کوهها بیسی از اسلحه جمع شده، ولی با این وجود در تلوید و مدبرینزه کردن آن تسریع می شود. اروپا اکنون اروپا یگانهای نظامی و سلاحهای مرمی را تیار کرده است." میخائیل گنبارباچف همچنین گفت: " برای اینکه زنده بمانیم و آینده کودکمان و تنوعهای خود را تا مین کنیم، باید نیروهای جنگ و نیروهای جنگ و میلیتاریسم را میسازیم. با زیم، تا جنگ را قبل از اینکه شعله ور گیرد، بندھا موش کرد. آیا این امکان پذیر است؟ ما لغینان داریم این کار امکان دارد ما هم اکنون تجربه مثبتی از موفقیت تشنج زدایی داریم که نیروی حیاتی خود را حفظ کرده است. مواضع بیگوارانه همه مذاکرات است. ما نمیتوانیم تساهل را در اروپا را ببینیم و باید مواضع ما را در برابر مواضع متراکم شده است برانگیزد." میخائیل گنبارباچف بعد از ملاقات با فرانسوا میتران، در باره اوضاع و احوال اتحاد شوروی و مسائل بین المللی گفت: " اوضاع کنونی جهان را اروپا ایستادگی در جهت صلح و برای رفع تشنج جهانی را باید داد. رفیق گنبارباچف اظهار داشت: " در این شرایط بحران آشوبناک و هلاکت، یعنی "بودن یا نبودن"، نه در برابر یک فرد، بلکه در برابر تمام بشریت مطرح می گردد. این امر به کلی مسأله جهانی تبدیل می شود. تنها یک پاسخ می تواند برای این باشد: بشریت و تمدن را باید به تائید حفظ شود. اما این اسرفظ زمانی می تواند تا مین گزیده شود. ما شیوه زندگی باید یکدیگر را یاد نمانیم و با آموختن هنر دشوار در نظر گرفتن مناقع یکدیگر. در این سبزه کوچک بشریت، ما این را با سیاست هنریمتی ما لامت میزنی ما می. ما قدرتی فی نیرومند هستیم تا هرگونه تلاش برای برهم زدن امنیت و کار صلح میز مردم کشورهای را طرفداری نمیایم. ما معتقدیم که نباید نیروی سلاح، بلکه صرفاً با نیروی نمونه شدن است که می توان محتاید شولوزی و برتری نظام اجتماعی را که مردم به اراده خود انتخاب کرده اند، ثابت نمود. این عقیده را سخاست."

دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی گفت: " ما بطور یگانگانه گسترش موشکهای میان بردار اروپا را متوقف ساختیم و از ایالات متحده خواستیم به همین شکل عمل نماید. ما همه آما بیگوارانه سلاحهای هسته ای را متوقف کردیم و از ایالات متحده خواستار زوروش میا شدیم. اتحاد شوروی پیشنهاد می کند نیروهای مسلح و جنگ افزارهای هر دو طرف در اروپای مرکزی گاشی یا بدو این آمریکا گاش نیروهای مسلح شوروی و آمریکا آما زگرده، ما حاضریم تعداد دبیرستانی از نیروهای نظامی خود را نسبت به آمریکا کاهش دهیم."

میخائیل گنبارباچف در مورد پیشنهادی جدید اتحاد شوروی گفت: " اکنون ما بلم که مساه است جدیدی را که از جانب اتحاد شوروی برده شده است به اطلاع شما رسانم. همه پیشنهادها هدف معینی را تعقیب می کنند، توقف روند پیچیده مسالمتی تسلیحاتی و رفع خطر جنگ که بر بشریت ما یفا فکند است. پیشنهاد اول - چند روز پیش ما به ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کردیم که هر دو کشور به منع کامل سلاحهای فزینتی که این تن در دست و سلاحهای هسته ای برسانند، به کشورهای همسایگی رسد تا پنجسده در مدتها شایبند."

پیشنهاد دوم - چند روز پیش ما به ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کردیم که هر دو کشور به منع کامل سلاحهای فزینتی که این تن در دست و سلاحهای هسته ای برسانند، به کشورهای همسایگی رسد تا پنجسده در مدتها شایبند. پیشنهاد سوم - شما می دانید که ما به ملتستی را پیرامون استقرار موشکهای میان بردار اروپا

اعلام کرده ایم. تعداد موشکهای اس اس ۵۰۰ شوروی که اکنون در منطقه اروپا می باشد تا مساه باشد هستند، ۲۴۳ عدد است یعنی این تعداد تقریباً با میزان آن در ژوئن ۱۹۸۲، هنگامی که اختصار موشکهای اضافی ما در جواب به استقرار موشکهای میان بردار آمریکا در اروپا آغاز کردید، تطابق دارد. موشکهای اس اس ۲۰ اضافی که در این جریان مستقر شده اند، اکنون از حالت آماده باش و استقرار دائمی در آورده شده و این موشکها در دو ماه آینده برچیده خواهند شد.

با ایدافافه کردیم ما قبلاً همه موشکهای بیسیار نیرومند اس اس ۵ را برچیده ایم و برچیسدن موشکهای اس اس ۲ را ادامه می دهیم یعنی تمام موشکهای میان بردار در اروپا می باشد در این هم اکنون میانی با حتی با زنده سال پیش است. میخائیل گنبارباچف افزود: " اینکه تعداد موشکهای خود را محدود کرده ایم، ناشی از علاقمندی ما به امنیت اروپا می باشد. فکر می کنیم که اکنون اروپا حق دارد منتظر جواب ایالات متحده آمریکا و قطع استقرار بیشتر موشکهای میان بردار در اروپا باشد."

در دیدار میخائیل گنبارباچف از فرانسه مذاکرات مفصلی بین وی و فرانسوا میتران پیرامون مسائل مهم جهانی و روابط اتحاد شوروی و فرانسه انجام پذیرفت. دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی این مذاکرات را اساسی و عالی توصیف کرد. دیدار میخائیل گنبارباچف از فرانسه، خصوصاً بدلیل گفتگوهای انجام شده در زمینه صلح و پیشنهادهای جدید اتحاد شوروی برای جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در جهان با تائید بیسیار گسترده ای مواجه است. در جریان این سفر یکبار دیگر وبگویندهای بسیار روشن و نیرومند مبارزه علیه و پیگیر اتحاد شوروی برای حفظ و تحکیم صلح جهانی در برابر برتری عمیاست. این مبارزه بشردوستانه مورد حمایت همه ملل جهان است.

عملیات تروریستی ریگان

به دستور ریگان، چند دهه های آمریکا بیسیار هوا پیما میگری را که حامل چهار تن از فلسطینیها بود، ربودند و به فرودگاهی در ایالت آریزونا آمریکا در جزیره سیسل ایالتیا و دار کردند. ریگان اعلام کرد که برای مقابله با تروریسم باید یسن اقدامات متوسل شده است. ریگان در بدین این حادثه، به دولت ایالتیا نشان را آورد. ایالتیا یکی از رهبران سازمان الفتح را که در زمان وقوع در ایالتیا میبرد، بازداشت نمود و بدین این و بدین این طرح عملیاتی کشتی ربایی که توسط چهار تن از فلسطینیها صورت گرفته بود، تحت محاکمه قرار گیرد. فشار ریگان و تبلیغات علیه دولت ایالتیا، به فشار بود که موجب گردید وقوع دولت کراسی متوالسلی گردید و با خروج حزب جمهوریخواه (حزب طرفسدار آمریکا) از اختلاف حاکم، دولت ایالتیا مجبور به استعفا شد.

ربودن هوا پیما های حامل فلسطینیها، نشان می دهد که ریگان و اوامفریبان به صلاح مبارزه با تروریسم وارد میدان شده است. عملیات جنایت با برترین عملیات تروریستی متوسل شده و با بر آنها بهر تائید میزند. ریگان قبل از این حادثه، بطور آشکار و بی شرمانه، گشتار فوج فلسطینیها در تونس توسط هوا پیما های شجا و زگره میرونیستها را تائید و از این جنایت حمایت کرد. ریگان در طول دوره ریاست جمهوری خود با اشغال گرانسداد و کتکهای همه جانبه به ندهای فدا انقلابی در افنا نشان و ونیکا را گوشه و دیگر کشورها و بسا اقدام به عملیات نظیر هوا پیما ربایی نشان داده است که به سر کرده تروریستهای جهان تبدیل شده و کاخ سفید را مقر فرماندهی عملیات تروریستی خود قرار داده است. تروریسم ریگان روز روزها مملوفتهای شدیدی از سوی کشورهای و نیروهای مختلف جهان مواجه میگردد. حتی متحدین نزدیک ریگان نیز، اقدامات تروریستی وی را تائید نمیکنند. مردم عربسای تطاهرات وسیع خود در روزهای اخیر جبهه تان شکنی به تروریسم شنگارانه ریگان دانند.

حمله تروریستی اسرائیل به پایگاه "ساف"

دولت صهیونیستی اسرائیل با ردیگر به جنایت جدیدی دست زد. هوا پیما های دولت شجا و زگره اسرائیل، به مقر سازمان آزادیبخش فلسطین در حومه پایتخت نژینی که بیش از ۲۰۰ کیلومتر از اسرائیل فاصله دارد، حمله کرده اند. در این حمله جنایتکارانه بیش از ۱۵ نفر کشته و زخمی شدند.

دولت ریگان سرده تروریستهای جهان، این عمل جنایتکارانه اسرائیل را تا به حدی که بیسنوان اقدام "فدتروریستی" شود، این در واقع کثارت سلیدی برای عملیات جنایتکارانه اسرائیل بوده است و در مواضع این حمایت اسحاق رابین وزیر دفاع اسرائیل به صدارت شوروی به مقر فلسطینیها برای پوئانندن عملیات تروریستی بی شرمانه اعلام نموده: " ما در جستجوی راه حل برای آغاز مذاکره با اردنیها و فلسطینیها هستیم. تروریسم بشما شردرا این منطقه است. در حالی که منشأ تروریسم در منطقه خاور میانه همانا دولت صهیونیستی اسرائیل است که در طول حیات خود لحظه ای از تجاوز علیه کشورهای عربی و فلسطینیها با زنیاستاد است و همواره مبارزات بر حق فلسطینیها را تروریسم نامیده و علیه آنها بهر جنایتی دست زده است. اقدام وحشیانه اسرائیل، اعتراض جهان را برانگیخت. اغلب کشورهای و همه نهادهای مترقی و انقلابی عملیات تروریستی اسرائیل را محکوم کرده و از اقدامی برای تشدید تشنجات در منطقه قلمداد نمودند. شنگاری دولت اسرائیل و محکومیت آن توسط جهان نشان را بدیگر حقیقت بشردوستانه فلسطین را برای کسب حقوق و داشتن سرزمین مادری نشان داد."

اعدام شاعر مبارز آفریقای جنوبی

در خیانت رژیم نژادپرست آپرتوئیسینه سپر طبش "بنجامین مواربزه" شاعر مبارز روز مردمی آفریقای جنوبی را با گلوله های سربین شگافتند. رژیم آپرتوئیسینه برای تائید این شاعر مبارز به پرونده سازی متوسل شد و وی را متهم به قتل یکی از افراد پلیس کرد. جنسدا پیش سرکوبسگران حکومت، بنجامین را به دادگاه فراخواندند تا علیه سه تن از نمایندگان کنگره ملی آفریقا که در بدین این آنها را تروریست می نامیدند، شهادت دهد. بنجامین قاطعانه دست رد بر سینه آنان زد. هر سه متهم به اعدام محکوم شدند و بنجامین به هر چه عسدر همکاری با پلیس، به مساهه افرادی که باید سربندست شوند، وارد شد. سرکوبگران بعد از این حادثه بنجامین را به عنوان مظنون در قتل یک خبرنگار پلیس دستگیر کردند و در زندان شکنجه های وحشیانه برای وی پروراندند. قتل تشکیل دادند. سپس او را روانه دادگاه ساختند. بنجامین در دادگاه مردانه ایستاد. دادگاه، وی را به اعدام محکوم کرد. بنجامین در ملاقات با مادرش گفت که: " می خواهم توبدائی که من کما لبی گفتم و هیچکس را نتکفتم. من از اعدام نمی ترسم ما به آزادی دست خواهیم یافت. بعد از محکوم شدن بنجامین، دبیرکل سازمان ملل، با سازمان وحدت آفریقا و دیگر سازمانهای جهانی و رهبران کشورهای مختلف از رژیم نژادپرست خواستند که اعدام وی را لغو کنند. ولی رژیم مستبد آفریقای جنوبی به اعتراض جهان تائید توجهی نکرد. جلادان رژیم آپرتوئیسینه بنجامین، این شاعر مبارز را در حالی که سرودی را که در پشت سینه های زندان سروده بود زمزمه می کرد، به جوشه اعدام سپردند. این جنایتکاری خشمناک تر مردم را در سراسر جهان برانگیخت و بشردوستانه رژیم نژادپرست را بیش از پیش شعله ور ساخت."

بیسستم و سومین اجلاس یونسکو

اجلاس نوبیتی دوساله کنفرانس عمومی یونسکو در مورفی با بیخت بلقا رستان گشایش یافت. در این اجلاس نما یندگان ۱۶۰ کشور شرکت داشتند. برای اولین بار در تار بیخ یونسکو، اجلاس عمومی بدون شرکت نماینده آمریکا تشکیل گردید. دولت آمریکا که مصوبات و عملکود یونسکو را مفا برنما فسیع توسعه طلبانه و استعمار پیش می دید، برای اتمام جوی ایتدا به یونسکو نشان را آورد و پس از آن خارج شوبدین طریقی داد نشمنفان و فرهنگیان آن را از ازماس و همکاری در عرصه مسایل علمی، فرهنگی، حقوقی و آموزشی با همکاران جهانی آنها محسوم کرد.

بیسستم و سومین اجلاس یونسکو حدود ۱۰۰۰ موضوع را به عنوان برنما همکار خود طی سالهای ۱۹۸۶ - ۱۹۸۷ قرار داد. در پیش نویس سندی که به اجلاس تسلیم گردید حدود ۱۵۰ پروژه وجود داشت. این پروژهها جنبه های مختلف فعالیت انسانی از جمله آموزش، فلسفه، سیاست، علوم اجتماعی، فرهنگی، آموزشی اطلاعات و قوانین بین المللی را شامل می شود. این اقدامات یونسکو که در جهت نزدیکسلی ملت ها و حل مشکلات و مشکلات بشری است، از جانب کشورهای مترقی با استقبال روبرو گردید و دولت ریگان با مخالفت در اعزام نمایندگان آمریکا برای شرکت در اجلاس موفیه، نشان داد که با سدا و جمل و تار یکی و ظلم و بی عدالتی در جهان است."

مبارزات حاشیه نشینان

چند ماه است که ارگانهای سرکوبگر رژیم شاه در مدعیان جمهوری اسلامی، پیش از پیش به تخریب منازل زحمتکشان در مناطق خارج از محدوده شهران روی آورده اند. این اقدامات به بهانه وقوفی بودن زمینها و با تصرف عدوانی آنها و به موازات با تخریب کلان سرمایه داران و بزرگان مالکین فراری به کشور، جرمی شده، هجوم منقول و ار ما موران تخریب شهرداری با حمایت عوامل متفق کمپنیه‌ها و نیروهای ژاندارمری به سرپناه زحمتکشان مناطق قلمه جسر خان، شمس آباد تهران، جاده موهوس کرخ و فیروزآباد دشری از آن جمله است. مزدوران رژیم ولایت فقیه در جریان اینس تهاجمات با پولدور و دیگروسایل تخریب سرپناه مردم زحمتکش را ویران کرده و بی رحمانه مردان و زنان وحشی کودکان معصوم را به باد تکتک و تاسا گرفته و با آنها را مجبور به ترک خانه‌هایشان کردند. کمپنیه‌های فرسایشی که به صورت تهران و شهرهای بزرگ کشور کشیده شده، زحمتکشان را در برمی گیرد که عمدتاً با آرزوستها و شهرهای کوچک برای گذران زندگی بدینجا کوچ کرده اند و با از دست دادن ۲ میلیون آواره جنگ خانه‌هاست و آنکه تا چنانچه شده اند خانه‌هاشان خود را رها کنند. این زحمتکشان که برای یافتن لقمه‌ای نان با خوروسنیر، از پام تا شام استقامت می‌شوند، حاضر به زندگی در کمپنیه‌ها در بیست و نه هانی شده اند که از هرگونه امکانات اولیه زندگی نظیر آب، برق و... محروم است. هجوم دندشتان اوابان رژیم به با مقابله و سرخساختن زحمتکشان ساکن این مناطق که هست و نیست خود را در معرض نابودی می‌دیدند، روبرو شده است. مردم شگفتان به با شمار "مرگ بر خمینی" و "مرگ بر پاسدار" با جوب و خشت و یا دست خالی به مقابله با مزدورین رژیم برخاسته و در برخی نقاط حتی با سلاح مزدوران، آنها را وادار به عقب نشینی کرده اند. مقاومت و شجاعت زحمتکشان خارج از محدوده و در جنگ‌های رژیم، در سطح جامع معسده انکسار وسیعی یافته است. اخیراً در مسیناری گنه با حضور استانداری و فرمانده کمپنیه‌های تهرسان تشکیل گردید، یک بار دیگر رژیم "قاطعیت" در تخریب خانه‌های خارج از محدوده، تاکید شد. همچنین تشکیل کتف و یزهای در کتا دهه گشت دیگرو رژیم اعلام گردید، که چندین از کمپنیه‌ها و نیروهای ژاندارمری را در برمی گیرد و قول گسترش آنها هم داده شده است.

در مصاحبه‌های روزگاری که مقامات ذریبط از جمله شهرداری تهران، برای فریب افکار عمومی و ایجا دترس در زحمتکشان ترتیب دادند، به وضوح و با کمال وقاحت هدفهای این ویران سازیه را تشریح نمودند. شهردار تهران اظهار داشت که: "در سرخساختن تخریب خانه‌ها تنها به صرف این ساله مورد توجه باشد که یک عده مستضعف رفتند و اموال خانه و فرش زیر پای خود را فروختند و یک چهارم دیواری درست کردند و شهرداری آنست و خانه آنها را تخریب کرد. قضاوت را به احساسات دادن کار درستی نیست. باید مجموعه مسائل جمهوری اسلامی را در نظر گرفت." (اطلاعات ۱۵ مرداد ۶۴) البته روشن است که منظور از مصالح جمهوری اسلامی همان مصالح موقوفه خود ارا نو سرمایه دارانی است که رژیم در خدمت انسان است و در راه منافع آنها از هیچگونه حیانتت و جنایتی دریغ نمی‌کند.

حاشیه نشینی و بدینا مدن حلی آبادها در اطراف شهرهای بزرگ از بلایای اجتماعی ویترو نظام سرمایه داری است که در همه کشورهای سرمایه داری وجود دارد. خصوصاً در کشورهای سرمایه داری مثل ایران، حاشیه نشینی و فقر و محرومیت شدیداً حاشیه نشینان یک حاشیه عمومی است. ادعای سران رژیم در مورد از بین بردن حاشیه نشینی، نظیر آن یک ادعای پوپ و فریبکارانه است. برای غلبه بر این مصائب اجتماعی به حیات تنگن رژیم جمهوری اسلامی، حاشیه نشینی

کارگران و زحمتکشان ایران! سران خائن جمهوری اسلامی مدعا هزار نفر را در جنگ کثیفه گشت داده، مدعا شهر و روستا را به آتش کشیده و کشور را ویران می‌کنند. سران رژیم چشون جنگ دارند همه چیز را در خدمت جنگ در آورده اند. دشمن طایفه در هر جا که هستند، علیه جنگ اعتراض کنید، علیه جمع آوری کتفه و تمام نیرویه‌ها اعتراض کنید. علیه جنگ اعتراض کنید، برای صلح نظرها را تکتک کنید. با شین جنگی رژیم را فلج سازید.

سازمان فدائیان خلق ایران (انگلیسی)

اخراج کارگران

بسیار و بعضی از آنها بصورت نیمه تعطیل و یا بطور کامل تعطیل شده اند. همچنین صنایع فولاد سازی اوزارها، نقر، کاشی، ایران ۹۰۰ نفر، شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر بیش از ۱۰۰۰۰ نفر، پشم و پتوی تبریز تا مسی کارگران شیفت شب، شرکت حمل و نقل ۴۴۰ نفر، کفش‌سازان ۷۰۰ نفر، شرکت گاز سانی جنوب ۵۰ نفر، کارخانه فدا بران ۳۴ نفر، کارخانه کولرسازی ۶۰ نفر، کارخانه گندم بار ۳۰ نفر، کارخانه‌های برادران گلپایگانی بیش از ۱۰۰ نفر، کارخانه پلاستیک ۱۵۰ نفر، شرکت هیپال کوپیش از ۱۰۰۰ نفر، شرکت‌ها ماراک (کویا تو) وابسته به دولت ۳۰۰ نفر از کارگران خود را اخراج کرده اند. همچنین بیش از هشتاد نفر از کارگران ایران تا سیون سال در اختیار رجاها قرار داده شده اند. اخراج ۷۰۰ نفر از کارگران ماشین سازی تبریز در دست اقدام است. کارخانه بهوشی تعدا ۵۰۰ نفر از کارگران را اخراج یا با خرید اجباری کرده و به ۸۰ نفر از کارگران خود گذشته است که با پاید سعفای خود را بیستند. کارخانه قرقه رجا بندیل و وسیع بیستد مالی، تعدا ۲۰۰ نفر از کارگران موقت و کارگران و کارمندانی را که سابقه کاری کمتر از یک سال داشته اند، اخراج کرد. کارخانجات کابل سازی، و نیوسوال، ابریشم فوم و شرکت شعله و ویرین تعدا ۱۰۰۰ نفر از کارگران خود را اخراج کرده اند. در کتا راجا های گسترده و توده‌های باز خرید های اجباری، و با زشتگی های زودتر از موقوع در اینها دینی سابقه جریان دارد. مثلاً ۶۰ نفر از کارگران شرکت بوتان را اجباراً باز خرید کرده اند. در کارخانه سینون ۴۰ نفر از کارگران باز خرید اجباری شده اند. در کارخانه بلموند تعدا ۲۰۰ نفر از کارگران را باز خرید و با برخی اجباری نرستاده اند. در کارخانه ذوب آهن تعدا ۱۰۰ نفر از کارگران که سابقه کارشان بیش از ۱۵ سال است باز نشسته اجباری شده اند. در کارخانجات بهوش، و نیوسوال (آسال) و شرکت شعله و ویرین تعدا ۱۰۰۰ نفر از کارگران را با خرید اجباری کرده اند. در بسیاری از کارخانجات نیز بیعتت وضع شد مالی حقوق کارگران را به موق برداخت نمی‌کنند، مثلاً به کارگران کارخانه خانه سازی کتا نشاه ۵ ماه حقوق ندادند به کارگران صنایع جنوب که غذا را در بیعتت ماه چند ماهه حقوق ندادند - حقوق کارکنان و گن پارس و کارخانه ایگار (کارخانه ریستنگی و پافتننگی) با تا خیر زیاده برداخت می‌شود. اخراج کارگران توسط جمهوری اسلامی پدید آمده است که در کارخانجات توسط اتحادیه‌ها، اتحادیه‌های صنایع گسترده ای دارد. اگر چه در گذشته عمدتاً کارگران و همچنین کارمندان مبارز و انقلابی به بهانه‌های مختلف توسط مسئولان رژیم و عوامل سرمایه داران کارخانه‌ها اخراج می‌شدند، و به صفوف عظیم بیگاران کشور می‌پیوستند، اکنون توده وسیع کارگران از کار برکنار می‌شوند، این وضع اکنون بیش از هر زمان دیگری نگرانی و نفرت کارگران را برانگیخته است.

بحران ارزی و مالی که به کاهش شدید تولید و اخراج وسیع کارگران توسط رژیم منجر شده است، در نتیجه آدامه جنگ توسط جمهوری اسلامی و مقابله به مثل رژیم صدام در حمله به خاک و دیگر مراکز صدور نفت به اوج رسیده است. بمباران بی دریغ، جزیره خا رک و نفتکش‌هایی که در سواحل پسران با گریزی می‌کنند، به کاهش شدید صدور نفت انجامید است. در نتیجه رژیم نمی‌تواند از مورد نیاز خود را با صدور نفت کافی بدست آورد.

در عین حال رژیم منبع دیگری در اختیار ندارد که جانشین نفت سازد و از مورد نیاز خود را تامین کند، وابستگی اقتصادی و تکنیکایی اقتصاد این کشور به درآمد نفت که در رژیم گذشته به ریخته شده، با سیاستهای جمهوری اسلامی نه تنها کاهش نیافت، بلکه تشدید گردید.

وابستگی همه جانبه صنایع کشور به امپریالیسم علت انفعال بحرانی است که اکنون موسسات تولیدی کشور را در خود فرو برده است. رژیم برای مقابله با وضع بحرانی کنونی بجای قطع جنگ و چاره اندیشی اساسی، کارگران را رافوج فوج اخراج می‌کند. بجای آنکه جنگ را قطع کند، پروژه‌های عمرانی را قطع می‌کند، تولید را کتا هشت می‌دهد، حقوق و مزایای کارگران و کارمندان را قطع می‌کند. مسلم است که رژیم با این جنایات بی شرمانه و ضد انسانی قادر نخواهد بود بحران کنونی اش را حل کند. این جنایات بحران را گسترش می‌دهند، نفرت کارگران را از رژیم عمیق تر و آسان را در نا بودی این رژیم فاسد مضم تر خواهد کرد. طبقه کارگر و توده‌های رنجبر در عین مبارزه برای قطع جنگ و نابودی رژیم همین امروز با فشار شدیدی از اخراج های وسیع و توده‌ای و با باز خرید های اجباری و باز زشتگی های زودتر

از موقوع، روبروست. بنا بر این هر کارگر که تا همی وظیفه‌ها در گه به موازات تربیتی توده کارگران برای برقراری صلح و برتری رژیم آبان را علیه اخراج‌ها نیز بسیج کند، با پیداکتیک هانی بکار گرفته شود که در وهله اول مانع از اخراج‌ها شود. برای جلوگیری از اخراج‌ها، قبل از همه اتحاد و یکپارچگی کارگران در واحدها و توده‌ها است. ضرورت عینی برای این اتحاد کامل وجود دارد. هر کارگری می‌داند که اگر امروز هر چند اسم او در لیست اخراج چیها درج نشده، ولی هیچ تضمینی نیست که فردا نیاشد. مبارزه برای جلوگیری از اخراج‌ها تنها بی کسه امروز اخراج می‌شوند، در عین حال مبارزه برای جلوگیری از اخراج‌ها تنها بی کسه است که اعتراضات خواهد شد. هر کارگری این را می‌داند و به این امر اعتراض است. این وظیفه فاعلین پیشرو هرواحدها است که با قاطعیت آگاهانه و سازمان‌یافته خود با این اعتراضات انفرادی را به اعتراضات جمعی تبدیل نمایند. برای سازماندهی این امر در واحدها می‌باید هسته‌های مفقی کارگری تشکیل شده است با پید تدا رگات و اقدامات لازم را بعمل بیاورند.

کارگران شاغل با پید بهاری و رفقای اخراجی خود بیستادند و تمام تلاش خود را برای رنجبر نگه داشتن اخراجیها در برابر به سرکارها نگه دارند. از مدتی که کارگران اخراجی، بیگار مانده اند، با پید کارگران شاغل از نظر مالی به آنها کمک نمایند. برای اینکار نیز سازماندهی لازم است. حتی می‌توان از قبل این امر را پیش بینی کرد و به موق به ایجا صدوقق برای حمایت مالی از اخراجی برداخت. اقدامات کارگران اخراجی و کارگران شاغل در هرواحدها منطبق با پیدها هنگ باشد، ما هم اکنون شاهد نمونه‌های موفقی از حرکت کارگران در این راستا در بعضی از واحدهای تولیدی هستیم. این حرکتها با پید گسترده گردند و به یک حمایت توده‌ای از اخراجیها تبدیل شوند. با پید تلاش خود که این حرکتها از چهار چوب یک واحد تولیدی خارج شده و به مدنطقه‌ای بازگشته اند... بخود بگردید. در این صورت این مبارزه موفق تریش خواهد بود و خواهد توانست از فشار بردوش کارگران سنگینتری عی کند. بیگانه‌ها امروز بیشتر از هر زمان بیگاری دارند که توده کارگران برای مقابله با اخراج‌ها زیر شعار "اخراج خود را به پاید یا با پاید یا بسج شوند"

جمهوری اسلامی از گناه بقیه از صفحه ۱۲ هتداری دهد که "تصمیمات نا شایسته را کنسار بگذارد و هر ترحم، بیرون می‌خواهد در اختیارش قرار دهند. اما برخلاف مورس انگلیسی، مورس امریکایی یکی دیگر از شرکت کنندگان کنفرانس که مدت ۴ سال عضو شورای ملی امنیت امریکا بوده است چهار چوب "روایت ظریف" را کافی نمی‌داند و می‌گوید: "تصوری که گویا من نسبت فرامی‌سازده است. عقیده ندارم که روابط ظریف همچنان آدامه یابد تا کنون، آدامه این راه چنان آشفتنگی به با رخ خواهد آورد که ما را دچار گرفتاریهای بسیار جدی خواهد کرد."

سخنان این نظامی امریکایی بیان فشرده سیاست شلاق و شیرینی امپریالیسم امریکایی نسبت به جمهوری اسلامی است. سیاستی که ضمن استقلال از روند زندگی جمهوری اسلامی و تشویق همه جانبه این تردیدگی، با فاشا زود پید و حمایت از تسلط طلبان در دست راست هر چه زودتر رژیم ایران را به حکومت مطلوب خود نزدیک کند. ریچارد لوسون، وزیر مشاور در وزارت خارجه بریتانیا، به رغم "اختلافات" در زمینه چگونگی روند پیدهای سیاسیات امپریالیستها با جمهوری اسلامی، به هدف اساسی سیاست امپریالیستها اشاره کرده و گفت:

"می‌خواهم سخنانم را با این نکته مهم تمام کنم که ما در بریتانیا، ما در دنیا غرب و دوستان ما در خاور میانه همگی باید عمیقاً به آن بیندیشیم و همیشه باید متوجه مفهوم واقعی آن باشیم، خلیج فارس برای همه ما همچنان بسیار مهم خواهد ماند. مفهوم واقعی این سخنان این است که سبب ایران بزرگترین کشور حوزه خلیج فارس با پید است به امپریالیسم و زیر نفوذ آن باشد. سیاست خائسانه جمهوری اسلامی که نماینده انگلیسی را چنان به "سپا سگاری" وادار کرده و در واقع در جهت همین سیاست است. رژیم ارتجاعی، غبنی در اسی برای هموار کردن همین راه یعنی حفظ نظام منقطع سرمایه دار ریواسته و جلوسن نظرمحمایت امپریالیستهاست که به سرکوب و بین کارگران و زحمتکشان در میان ما دست زده، زندانها را از فرزندانشان مبارزان میهن پرورده و حکومت ترور و خفقان را بر سر آمریمن در کشیده است. امپریالیسم که کار را تکلیف به خوبی خط رویتت روحانیت مرتجع و نظام ولایت فقیه آتراه خواهد و از همین روستها را به سرخورد "ظریف" تر دعوت می‌کند"

زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

از میان گزارشها

بحران اقتصادی گسترده‌ای که در اثر جنگ طلبی و سیاستهای ارتجاعی رژیم برکشور حاکم شده، موجب مشکلات ارزی شدیدی در صنایع کشور گردیده است. اغلب کارخانجات کشور بدلیل کمبود ارز، از تامین مواد خام و قطعات یدکی و ماشین آلات جدید عاجز مانده‌اند. بودجه‌های دارا و مراکز دولتی، تقلیل یافته و اکثر طرحهای عمرانی به حالت تعلیق درآمده است.

سوء مدیریتها و اختلالات مالی بین مدیران و عدم برنامهریزی صحیح بر دامنه مشکلات و اختلالات تولید افزوده است. مدتهاست که کاهش تولید، تعطیل کارخانجات، و توقیف در برداخت حقوق کارگران در کارگاهها و کارخانجات، اخراج توده‌ای کارگران و کارمندان و بیکاری توده‌ای گسترش یافته و هرگونه اعتراضات کارگران با سرکوب و اخراج روبرو می‌گردد. اخبار زیر نمونه‌گوییایی از وضعیت بحرانی صنایع و کارخانجات کشور و فشارهای روزافزون وارده بر کارگران و کارمندان میهن ما می‌باشد:

- از تیرماه امسال بعلمت عدم تامین ارز کافی جهت خرید مواد اولیه تولید در کارخانه جنس تراش تا بر متوقف گردیده است. مسئولین کارخانه اعلام داشته اند تا زمانی که ارز کافی و مواد اولیه مهم نشود، کارخانه تولید را مجدداً آغاز نخواهد...

- سطح تولید شرکت تولیدی تهران که سازنده وسایل پلاستیکی می‌باشد، بدلیل نداشتن مواد اولیه بی‌وقتی متوقف گردیده است. با این بیان بهانه مسئولین کارخانه اعلام داشته‌اند، عده‌ای از کارگران این کارخانه را اخراج خواهند کرد. تولیدات کارخانه بلموند بعلمت کمبود مواد اولیه دچار اختلال شده است. مسئولین کارخانه بلموند تاکنون ۵۰ درصد کارگران را با خرید ۲۵ درصد آنان را نیز با نصف حقوق به مرخصی اجباری فرستاده‌اند.

- سطح تولید کارخانه هیپا لکونیر که تولید کننده ماشین آلات راه سازی می‌باشد، بعلمت نبود مواد اولیه کاهش یافته است. مسئولین کارخانه با اعمال فشار روی کارگران تعداد ۱۰ نفر از آنان را اخراج نموده‌اند.

- در کارخانه کفش نادان با بزرگترین کمبود مواد اولیه تولید دچار کاهش تولیدی گردیده است. مسئولان کارخانه با این بهانه حدود ۲۰ نفر از کارگران استخدای را اخراج نموده‌اند. در شرکت شعله خاور که تحت مدیریت بنیاد مستضعفان اداره می‌شود، عده‌ای از کارگران را اخراج و با خرید نموده‌اند. مسئولین کارخانه اعلام داشته‌اند بدلیل کمبود پول، بخشی از مطالبات این کارگران را نقدی و بخشی را چک خواهند پرداخت.

- در شرکت بلخ ساختمان تعداد ۹ نفر از کارگران را اخراج نموده‌اند. این شرکت که از یک سال پیش به مالک قبلی اش بازگردانده شده تا کنون اکثریت کارگران خود را اخراج نموده است. مسئولین شرکت به پیشی (تولید کننده پوچک) به بهانه کمبود بودجه، عده‌ای از کارگران را اخراج و تعدادی را نیز به اجبار بازنشسته کرده‌اند. مدیریت شرکت گفت وضعیت کار (روش) از اوایل تیرماه سال جاری تاکنون حدود هزار نفر از کارگران طرح موقت خود را که سوابقی از یک تا ۵ سال داشته‌اند، اخراج نموده است.

- اعتراض کارگران کارخانه کشمیر و مشکلات خودتوسا بنسبت به بیگانگان واقع خود را که در شرکتها و انجمن اسلامی کارخانه اخراج گردیده بودند، به سرکار خود با زگردانند. کارگران در اعتراض به اخراج نمایندگان واقعی خود و تقاضای بازگشت آنان به کار و توقیف برداخت حقوق شان بطور دسته جمعی طومار را امضاء نموده و اعلام داشتند که در صورت عدم رسیدگی دست به اقدامات شدیدتری خواهند زد. این اقدام قاطع و پیگیر کارگران منجر به عقب نشینی مسئولین و قبول کلیه درخواستهای آنان گردید.

- اعتراض کارگران شرکت حمل و نقل بین المللی مسئولین شرکت حمل و نقل بین المللی که در جاده کریم روبروی دیو قرا در ۲۰۰۰ نفر از کارگران این شرکت را به دفات مختلف اخراج نموده‌اند. این شرکت دارای ۲۳۰۰ کارمیسون و تریلی و از شرکتیای صادره شده است که به مدیریت دولتی اداره می‌شود و برای اورقنسی و مکانیکی خود ۹۰۰ کارگر استخدا می‌داشته است. ولی در اثر زودبندها و خیانت مدیران و مسئولین اسلامی حدود ۲۰۰۰ تریلی این شرکت فروخته شد و در آن تعداد ۴۰۰۰ کارگر بطور متوالی اخراج

گردیدند. این اقدامات موجب اعتراض شدیدی کارگران گردیده است. آنان بخاطر اخراجها، زودبندها و خیانت‌های مدیریت اسلامی تاکنون شکایات متعددی را به دادستان و وزارت کار ارسال داشته‌اند. اما این ارگانهای حامی سرمایه داران به بعضی رسیدگی به اعتراضات و شکایات برحسب کارگران، تهدید کرده اند که کارگران در صورت پیگیری اعتراضات خود با هجوم سپاه و کمیته روبرو شده و به زندان اوین تحویل خواهند شد. علیرغم این تهدیدها، کارگران بازم بر اعتراضات و خواستهای خود قشاری نموده و از پیگیری خواستهای برحق خود دست برنداشته‌اند.

- مسئولین کارخانه اونیورسال (آاسا)، بدلیل کمبود مواد اولیه و کاهش تولید تعدادی از کارگران زن را از کارخانه اخراج کردند و همچنین تهدیداتی دیگر را مجبور ساختند. تقاضای باز خرید خود را به مسئولین کارخانه کارخانه ارائه کنند.

- ورشکستگی رژیم و اخراج کارمندان بدنبال بحران اقتصادی و ورشکستگی رژیم، اختراعی بهشتا می‌آی زسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی، به بهانه صرفه جویی در بودجه رژیم و در حقیقت اعلام شرمگینانه ورشکستگی دولت دستور داده شده است که اقداماتی جهت کاهش کارمندان صورت گیرد. بیروا این بهشتا به اغلب ادارات و موسسات دولتی به اخراج گسترده کارمندان دست زده‌اند. نمونه‌های زیر بخشی از این اخراجها را نشان می‌دهد:

- در اداره رادیو ۱۰۰۰ نفر از کارمندان قرارداد را اخراج کرده‌اند.
- در شرکت نفت ۱۵۰۰ نفر از کارمندان را که قرارداد پس از ۶ ماه استخدام رسمی شونده، اخراج کردند.
- در شرکت هاراگ ۳۰۰ نفر از کارمندان مخصوصاً کارمندان زن را اخراج یا با خرید کردند.
- در دیوان محاسبات نیز عده‌ای از کارمندان قرارداد را اخراج کردند.
- در سازمان امور استخدا می ۶۰ نفر از کارمندان قرارداد را اخراج کردند.

بازگشت فتودالها در باختران

اخیراً با حمایت سپاه پاسداران و سایر نیروهای سرکوبگر رژیم فتودالهای بزرگ استان باختران مثل عسکرخان سنجایی و پسرا میراحتمای به پس گرفتن زمینهای تقسیم شده خود اقدام نموده‌اند. آنان اعلام کرده اند که با در دست داشتن حکم از طرف دادستان، تصمیم دارند بعد از فصل درو کلیه زمینهای خود را با زین بگیرند. همچنین افراد عسکرخان سنجایی تهدید کرده اند که نیسی از محصول امسال با بد توسط دهقانان به آنان داده شود.

دهقانان اعتراضات خود را با مراجعه به مسئولین اعلام داشته و در مقابل با قدرتی کسسه جهت حمایت از فتودالها به روستا رفته بودند. مقاومت نموده‌اند. در موردی نیز فتودالی از دهقانان توسط نیروهای سرکوبگر سپاه مورد ضرب و جرح قرار گرفته و تعدادی نیز دستگیر شده‌اند. علیرغم این تهدیدات و مقاومت دهقانان در مقابل عوامل فتودالها و نیروهای سرکوبگر رژیم حامی کسلان سرمایه داران و بزرگ مالکان ادامه دارد.

مقاومت مردم علیه سپاه

در املای اخیر در شهرک عباس آباد در یک مردم به بهانه سازی دست زده و تا کنون بیش از دویست خانه در آنجا احداث کرده‌اند. این اقدام مردم با مخالفت شهرداری روبرو شده و به همین سبب چندین پیش ما مورین شهرداری به محل هجوم آورده و ضمن بازگویی تلاش نمودند تا آخرین خانه‌های جدید لوگویی شما بیند. ما موران ویرانگر شهرداری با مقاومت مردم روبرو گردیدند و نتوانستند کاری از پیش ببرند. چندانکه بعد از آن به بهانه تعدادی پاسدار و تجهیزات ارتش جهت تخریب منازل به محل هجوم آوردند و دهها خانه را خراب نمودند. در اثر این اقدام خدانشانی بین آنها و مردم درگیری شدیدی رخ داد که در آن دهها نفر زخمی گردیدند. ولی با این حال مقاومت و ایستادگی مردم سبب شد که پاسداران و ما مورین تخریب شهرداری عقب نشینی کنند.

اعتراض اهالی شهرک آزادی

چندی پیش به دستور وزارت نیرو، آب و برق شهرک آزادی واقع در یک کیلومتر ۳ محله مخصوص تهران - کریم به بهانه عدم پرداخت پول برق،

توسط کمیته مسئول آب رسانی شهرک قطع گردید. از آنجا که آب رسانی شهرک از طریق دو طبقه چاه آب است، که توسط موتور برق کار می‌کند، تا مین می‌گردد، ۱۳۰۰ خانوار اهالی این شهرک که عموماً از رگسزان شرکت واحد، آموزش و پرورش، کارخانجات ایران ناسیونال، آرج، مینوش و شیشه سازی مینامی باشند، از آب محروم شدند. در پی این اقدام غیرمردمی، مسئولین وزارت نیرو، اهالی محل بمنوا ان اعتراض در فلکه اصلی شهرک اجتماع نموده و خواستار رسیدگی و حل فوری مساله گردیدند. مسئولین رژیم تلاش فراوانی برای مخفی کردن مردم نمودند. ولی مقاومت یکپارچه، متحد و پیروز نماینده اهالی شهرک آزادی را تا آخره مسئولین رژیم را مجبور به عقب نشینی و صدور دستور آغاز کار مجدد میب هسای آب نمود.

اعتراضات مردم علیه جنگ

مردم خستد و زجر کشیده با ختران که فشارهای شدید و طاقت فرسای رادر اثر جنگ خانما نسوز و ادامه آن متحمل می‌فوند، مخالفت و اعتراضات خود را به اشکال مختلف بروز می‌دهند.

چندی پیش در بخش غربی، پارک طاق بستان سر نشینان بکن، از ماشینهای گشت پاسداران که قصد دستگیری دوجوان را داشت، مورد اعتراض و حمله مردم قرار گرفت. پاسداران در مقابل این حرکت اعتراضی مردم شروع به تیراندازی نموده و چند نفر را مجروح نمودند. ولی علیرغم این تهاجم مردم متعترض و خشمگین به گروهای ۲۰۰ - ۱۰۰ نفره تقسیم شده و در طی مدتی بیش از یک ساعت که هر دم بر دامنه اعتراض و مبارزه شان می‌افزودند، در تمام اطراف واکتاف پارک با شعارهای "مرگ بر سر جنگ طلب"، "مرگ بر جنگ افروز" و "این است شعار ملت، آتش بس - آتش بس" و "مرگ بر خمینی، به حرکت درآید" در مقابل این حرکت مردم با پاسداران، که درون آمبولانس پنهان شده بودند، به طرف جمعیت حمله نمودند که بازم توسط مردم واداره قرار شدند. ادامه حرکت اعتراضی و خشمگینانه مردم با عت نگرائی مسئولین رژیم گردید، آنان بلافاصله با کمیل چندین ماشین پاسدار، منطقه را محاصره و به مردم حمله نمودند. در اثر هجوم وحشیانه سپاه و مقاومت مردم، عده‌ای از مردم و همچنین تعدادی از پاسداران زخمی شدند و تعدادی نیز دستگیر گردیدند. علیرغم اینکه منطقه طاق بستان بلافاصله تحت کنترل شد و پاسداران در آن مدول، حرکت مردم در کوچه‌های پراکنده کوچک و ببادن شعارهای "مرگ بر خمینی، و جنگ" بازم با عتها ادامه داشت.

دزدی و اختلاس در بنیاد مستضعفان

بعلمت افشاء اختلاس و سوء استفاده مالی مسئولین بنیاد مستضعفان زجان اخیراً این بنیاد تعطیل گردید، و تعدادی از مسئولین آن تحت پیگرد قرار گرفتند. پس از شکایات و اعتراضات متوالی مردم و بررسیهای اولیه معلوم گردید که مسئولین بنیاد مستضعفان زجان به نامهای حاجی نوروزی و صدقی با همکاران خود نامری، حاکم شرم زرجان را به ۵ میلیون تومان بودجه و اموال بنیاد در احیف و میل و اختلاس نموده‌اند.

اخاذی از مردم در مدرس

بدلیل ورشکستگی رژیم و کمبود بودجه کسور و ناتوانی دولت در تامین بودجه آموزشی، اخیراً مسئولین وزارت آموزش و پرورش به منظور جمع آوری پول، به چاپ قبوض مالی اقدام نموده‌اند. آنان به بهانه‌های گوناگون از جمله کمک به انجمن اولیاء و مربیان، و اولسین در سازمان آموزش و پرورش به خرید قبوض مالی با ارقام سرسام آورنده‌اند. بعنوان نمونه در دبستان زینب واقع در خیابان خواجه عبدالله اشعاری خرید قبض مالی ۵۰۰ تومانی هنگام ثبت نام اجباری شده و بدین ترتیب هزینه ثبت نام بر اساس قبض مالی، با نامد تومان شده است.

- در مدرسه معا دواقع در تهرانپارس نیز خرید قبوض مالی هنگام ثبت نام دانش آموزان اجباری است.

- اخیراً اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۰ تهران تصمیم گرفته است که هنگام اعلام نتایج تحصیلی دانش آموزان در اوقات مدیران مدارس صدقه قسسی جهت اخذ کمک مالی قرار داده شود.

اینگونه اخاذیهای اجباری در مدارس کسسه والدین دانش آموزان را تحت فشار مالی قرار داده و در دهم موجب اعتراضات شدید مردم گردیده و غالب والدین از پرداخت این پولها خودداری نموده‌اند.

جهلمین سالگرد تشکیل فدراسیون جهانی سندیکاها

اکتبر امسال، ۴۰ سال از آغاز فعالیت فدراسیون جهانی سندیکاها سپری می شود. تا سیس فدراسیون جهانی سندیکاها بیانگر تلاش زحمتکشان تمام کشورهای جهان برای اتحاد و مظهر واقعی وحدت بوده ای و سندیکایی طبقه کارگر در مقابل بین المللی است. با این اقدام تاریخی برای اولین بار زمانی پایه عرصه وجود گذاشت که اکثریت اتحادیه ها و سندیکاها ای کارگسری کشورهای مختلف جهان را، سرفرانز ژنود، ملیت، مذهب و اعتقادات سیاسی آنها، در صفوف خود متحد ساخت.

فدراسیون جهانی سندیکاها در طی ۴۰ سال حیات خویش، یک راه تکاملی طولانی و پیچیده ای را پیموده است. تمامی حیات چهل ساله آن به روشنی نشان می دهد که امکان واقعی برای همکاری جدی و شریک شدن بین اتحادیه ها و سندیکاها بی که دارای عقاید و نظرات سیاسی مختلفی هستند، بطور طبیعی و کاملاً وجود دارد. ولی افزایش و اوج گیری تشکلات بین المللی که بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شده بود، تا شورش خردان فدراسیون جهانی سندیکاها نیز بصورت تیره شدن روابط درونی آنها در جای گذاشت. و شرایط را برای فعالیت خرابکارانه و ترغیب فکرها "فدراسیون کار آمریکا" که زیر سر نفوذ ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی آمریکا بود، فراهم نمود. بطوریکه در ژانویه سال ۱۹۴۹ کنگره سازمانهای صنعتی آمریکا و کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا و چند ساله سندیکایی دیگر از ترکیب فدراسیون جهانی سندیکاها خارج شدند. بدین ترتیب جنبش سندیکایی بین المللی برای اولین بار مروج با تجزیه در صفوف خود شد. اما برخلاف خواست و تلاش دشمنان، نه تنها تلاشهای نشد، بلکه با زهم رشد کرده و تاثیر تصمیمات آن در میان توده وسیع کارگران افزایش یافت. بطوریکه اکنون متحدان و اتحادیه های کارگران متشکل در اتحادیه های کارگری را زیر پوشش خود دارد. وظایف اصلی فدراسیون جهانی سندیکاها در برنامه مصوبه اولین کنگره آن، چنین تصریح شده است:

"... تا مبنی وحدت ممانعی سازمان های اتحادیه ای کشورهای مختلف جهان، سرفرانز ژنود، ملیت، مذهب و یا اعتقادات سیاسی آنها، کمک به پایه ریزی اتحادیه های کارگری در کشورهای بی که از نظر اجتماعی و اقتصادی توسعه نیافته اند، مبارزه علیه فاشیسم در همه جا، مبارزه علیه جنگ و غلبی که موجب بروز جنگ می شوند، سازمانگری مبارزه مشترک اتحادیه های تمام کشورهای علیه تجاوزات به حقوق اقتصادی و اجتماع عزیمتکشان برای آزادیهای دموکراتیک، مبارزه برای تضمین حق کار، بالابردن سطح دستمزدها و کاهش دادن ساعات کار روزانه ..."

فدراسیون جهانی سندیکاها همواره با مسایل حاو دوبرم جهانی برخوردی فعال و طبقه ای داشته است. با اینک فدراسیون در مقاطع مختلف کمیته های بین المللی همبستگی با خلق های کشورهای مختلف از جمله فلسطین، الجزایر، یمن، میکراتیک، ویتنام، آفریقای جنوبی و شیلی بسیاری حمایت از مبارزه خلقهای این کشورها تشکیل شده است.

فدراسیون جهانی سندیکاها به پیروی از برنامه اساسی انقلابی خود همواره از مبارزات کارگران و زحمتکشان میهن ما نیز در مراحل مختلف پشتیبانی نموده است. اعلامیه داخو است فدراسیون جهانی سندیکاها در شرایط بافتن حقوق سندیکایی و سرکوب و حبس نه فعالین جنبش سندیکایی ایران، محکوم کردن جنگ ایران و عراق، محکوم کردن محاکمات فرمایشی رهبران حزب توده ایران و فعالین کارگسری از جمله اقدامات اخیر فدراسیون جهانی سندیکاها است.

فدراسیون جهانی سندیکاها در طول حیات خود موفق به برگزاری ده کنگره شده است. در نهمین کنگره آن، اعلامیه حقوق سندیکایی، مورد تصویب شرکت کنندگان از ۱۳۴۱ کشور جهان در گرفت. این سند بسیار مهم، بطور کلی برنامه فعالیت سندیکاها را برای کارگران و زحمتکشان جهان است و اهمیت تاریخی و جهانی دارد.

فدراسیون جهانی سندیکاها طبق اساسنامه برنامه خویش با تمام نیروهای مترقی جهان علیه امپریالیسم، در راه استقلال ملی، صلح و پیشرفت اجتماعی همکاری دارد. چهل سال مبارزه پیگیر فدراسیون سندیکایی جهانی در راه تحکیم وحدت و همبستگی جهانی کارگران، برای حفظ صلح و جانایات میازات خلقهای تحت ستم جهان بسیار قابل ارج و وثایان تحسین است.

دانش آموزان علیه جنگ و رژیم

خود را از دست داده اند. بهیا رژیم برای جوانان میهن تنها مرگ و نیستی است. اما طبق همه فشارها و سرکوبها، رژیم توانست دانش آموزان را به تسلیم و ادا رد و فریاد اعتراض آنان را خاموش گرداند. بهیژه طی دو ساله اخیر با فضای بیشتر چهره جناحی ارتجاعی رژیم خمینی، توده وسیع دانش آموزان در برابر سیاستهای ارتجاعی آن به مقاومت و مبارزه دست زده اند. رژیم خمینی در مدارس بیشتر از هزار مناسبت دیگر تنها مانده و بی اعتبار می شود. انجمن های اسلامی و مورثی ازمی گریه اند. دانش آموزان طرد شده و مورد تفرقه رزمی گیرند. دانش آموزان فعالان در مبارزات توده ای شرکت می کنند. سبم دانش آموزان انقلابی در اعتراضات ضد جنگ و ضد رژیم، بنیانگران است که دانش آموزان به سیاستهای ارتجاعی رژیم تمکین نمی کنند و فعالان علیه آن می رزمند.

این شرایط وظایف خطیری را بر عهده دانش آموزان پیشگاه و پیشروان مبارزات دانش آموزی قرار می دهد. باید به شکل متکین اختناق موجود در مدارس را درهم شکست و تبلیغ سیاسی را گسترش داد. هر چه تبلیغ سیاسی و فعالیت انقلابی در مدارس گسترش یابد بهیچ وجهی در اختناق و دیکتاتوری و تقویت عقاید ضد سر و ازمی و رژیم ارتجاعی جاسوسی و سرکوبش بیشتر نمی شوند و توده دانش آموزان و اما مدی بیشتر برای فعالیت متشکل و کار انقلابی می باشد. یکی از مهمترین وظایف انقلابی دانش آموزان مبارزه با رژیم است. مبارزه علیه جنگ و تقویت بزرگی درسیج دانش آموزان در مدارس و با همکاری با بنفع جنبش صلح طلبانه مردم و علیه رژیم جنگ افروزمی بدل گردد. اجازه ندهد رژیم با عوام مردمی و تملیح و تهدید دانش آموزان را به جبهه بکشد. دانش آموزان آگاه و مبارز باید در هر فرمته زنده سر و برون ازمی در سر چهره کوربه این رژیم جناحی را افشا کنند و دانش آموزان را به حضور هر چه فعال تر در مبارزات گسترش با بنده توده ای فرا خوانند. رژیم جناحی ارتجاعی اسلامی نمی تواند جنگ، کشتار، فحاشان، سرفروشی و زورگسی نمائیکیزی را که بزور سرفروشی به مردم با تسلیل کرده، همچنان ادامه دهد. دانش آموزان و جوانان میهن ما همچنان که در ۱۳ تیرهای انقلاب نشان دادند، سهمی بزرگ در جنبش انقلابی ایران خواهند داشت.

روز سیزدهم آبان ۱۳۵۲، دانش آموزان و دانشجویان با تعطیل مدارس و دانشگاهها در سته های بزرگ و کوچک به خیابانها و تظاهرات خواست میلبونها دانش آموزان نمودند. سرکوبی رژیم شاه بود، اعلام دارندها و حدهای حکومت نظامی در برابر برداشتهای در دست به کشتار و حبسها نه جوانان تظاهرات کننده زدند. خیر این جنایت بر سر دسرا سرکوب پیچیده، همان شب از طریق تلویزیون صحنه های تکان دهنده ای از این جنایت وحشیانه پخش شد که برخاسته از انقلابی مردم و از جناح ارتجاعی رژیم شاه دان من زد. تظاهرات ۱۳ آبان که منجر به برقراری دولت نظامی ارتشیدارها ری گردید، در گذر شادمانه انقلاب نقش بزرگی بر جای نیساید. پس از انقلاب به پاس جانبازی و فدای کاری بی دریغی که دانش آموزان در این روزها زخوشان دادند، ۱۳ آبان بعنوان روز دانش آموز اعلام گردید.

۱۳ آبان یادآور نقش بزرگی است که دانش آموزان و همه جوانان انقلابی در پیروزی انقلاب بهمین ایفا کردند. این توده عظیم و انبوه همراه با همه مردم ایران، با خواست استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی با انقلاب روی آوردند، با این امید که انقلاب منجر به ایجاد ممانعی گردد که سبب ستمات مردم را تا مبنی کند. اما این خواست برحق متحقق نشد و این امیدواری سرانجام ما ندوباً استقرار رژیم جمهوری اسلامی، تا شین به خلق و انقلاب، با درگیر زدنکی سیاسی را بر مردم با تحمیل سبب کردند. جوانان و بهیژه دانش آموزان نیز از آنجاست که سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی در انجمن نشان دادند. رژیم خمینی بزودی اختناق و دیکتاتوری و تقویت عقاید در مدارس حاکم گرداند. انجمن جاسوسی، خبرچینی، رواج خرافات و سرکوب و شکن آزاردهی ای فردی و اجتماعی در مدارس به ازمی معمول بدل گردیده است. رژیم از طریق انجمنهای اسلامی و "مورثیجی" دانش آموزان و معلمین را زیر شکنش شدید و فاشیستی قرار داده است. دانش آموزان و معلمین مترقی اخراج، بازداشت، شکنجه، اعدام و سربسته می شوند. مسئولان رژیم بنیانی بخشنه ما ضار می کنند و دانش آموزان را به سرکوب و اخراج از مدارس تهدید می کنند، به حسی فراهم آوردن مدرسه و کتاب و معلم تنها به فکر کنند که چگونه فعالیت انقلابی و آزادیهای دانش آموزان را محدود و سرکوب کنند و آنها را به جبهه های جنگ بکشد. با تطمیع و فریب و تهدید دانش آموزان را از کشتی درسی و خوش خانوادها پشان می نمایند و در جنگ کشتی به کشتن می دهند. تا اکنون دهها هزار دانش آموز در جبهه های جنگ ارتجاعی حسان

جمهوری اسلامی از نگاه امپریالیستها

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، هر روز به دروغهای نفرت انگیزی روی می آورد تا جبهه اروپا و خسته و سفاک خود را در پدای "فدا میهن" لیستی "انقلابی" نمایان به بنهان سازد و در پشت این فریادهای چندش آورنده محاکمات فدمالسی و فدمالسی خود را دیده دهد. هر چند امروز کمتر کسی است که فریب این دغلکاریها را نبکشد. رژیم بخورد، با اینهمه اطلاع از میان حال این رژیم ارتجاعی از میان نمایندگان و تحلیلگران امپریالیستی برای مردم میهن ما بسیار موزنده است.

در کنگره ای که در اوایل تیرماه با شرکت نمایندگان محافل امپریالیستی آمریکا و انگلیسی و بسا با اندازی سلطنت طلبان ایرانی در لندن برگزار شد، تحلیلگران امپریالیستی ضمن آشکار کردن رقیبانه ملامت بلید امپریالیستها نسبت به میهن ما، به بررسی تحولات ایران و جمهوری اسلامی پرداختند. که در این میان سخنان "پیتر تمپل موریس" نماینده حزب محافظه کار انگلستان در مجلس عوام و "دیوید راکل" اتحادیه بین المللی بهیژه قابل توجه است. وی در قسمتی از سخنانش ضمن بررسی رژیم جمهوری اسلامی و جناح بندیهای درونی آن گفت:

آدرس: P.O. BOX 1091 WIEN AUSTRIA
انترنشنل: AUSTRIA - WIEN
RAWAG NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

"خط اول متشکل از راست گراهاست که در حال حاضر حکومت را در دست دارند و ما باید زستان به سخت خود را بر سر گرا با شکم این خط مدبرکار است. ... پیروان این خط مطلقاً مخالف کمونیسم و شوروی هستند. اینها متعصبانه گسترش روز افزون روابط دوستانه با غرب هستند و این برنامه را از اساساً اروپا آغاز کرده اند و می توانیم به جرات بگوییم که در آینده نزدیکی از سرگیری روابط با آمریکا را آغاز خواهند کرد و این سنگی دارد که ما با گرایش آنها چگونه روپوشیم."

پیتر تمپل موریس، سپس ضمن افشای روابط سبب گسترده ایران با انگلیس، به کشورهای غربی توصیه کرد که با "این گرایش" برخورد و قطع بیاندازی کرده و این روند را بسهم خود سرعست بخشند:

"انگلیز این با شکر آنها را زیر پوشش قرار می دهد پس باید آنها را بشیم. این حضور با بدیم از نظر بازرگانی با بدیم از نظر سیاسی، از نظر بازرگانی و سیاسی با یکدیگر در آنجا داریم و می بینیم که واشنگتن از اینگاه ما خرسندند. ... ایران حتی حالا که در وضعیت ترین وضع خود قرار گرفته دو مین مشتری ما در اوامیانه است. در اینجا تصمیمات ناشیانه ای در مورد عدم فروش اسلحه و کاهش در مورد فروش بعضی کالاها وجود دارد. از این نظر که تجهیزات و وسایل کاری که آنها دارند سبب چه نظامی و چه غیر نظامی می فرزند و ما می فریبیم است، این تجهیزات به سرعت روبه پایان نهاده اند. بعضی آنها به کلی تمام شده اند. خوب اینها را باید تجدید کرد، با آنها که با قسلی مانده اند محتاج مراقبت دقیق تری است. حال اگر فرب چیزهایی را که ایران لازم دارد ندهند، دولت ایران به هر چه روی خواهد کرد تا آنها را از خود را بر طرف کند.

سخنان این سیاستمداران انگلیسی بی سیاست از سفسیر است. روند نزدیکی جمهوری اسلامی به غرب واقعیتی است که او از بارزاشدها نشان می دهد و با این ندارد و با حرارت به دیگر کشورهای امپریالیستی

پیش بسوی جبهه متحد خلق